

واکاوی تأثیر ظهور داعش بر وضعیت اقتصاد انرژی در سوریه و اسرائیل

مهدی محمدیان^۱
حجت مهکویی^{۲*}
سارا فلاحی^۳
یوسف زین العابدین عموقین^۴

DOI:10.22034/ir.2021.299628.2027

۳۱

چکیده

داعش (ISIS) گروه تروریستی است که به لحاظ اعتقادی در زمره سلفی جهاد تکفیری قرار می‌گیرد و دارای عقاید خشک و تفسیر سطحی از مبانی دینی است. ریشه شکل‌گیری داعش به بعد از حملات آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ باز می‌گردد و فعالیت آن با تشکیل جماعات التوحید و الجهاد به رهبری ابومصعب زرقاوی (۲۰۰۶ - ۲۰۰۴) آغاز و به مرور با بیعت زرقاوی با بن‌لادن، نام این سازمان به القاعده عراق یا القاعده فی بلاد الرافدین تبدیل گشت. این گروه در غرب آسیا و در حوضه لوانت و مرزهای شرقی دریای مدیترانه باعث ایجاد چالشهای اساسی گردید. در این مقاله با هدف واکاوی ظهور داعش بر وضعیت اقتصاد انرژی سوریه و اسرائیل، پرداخته شده است. پرسش اصلی مطرح شده این است که ظهور داعش بر وضعیت اقتصاد انرژی سوریه و اسرائیل چه تأثیراتی داشته است؟ روش تحقیق کیفی و ماهیت روش توصیفی - تحلیلی با ابزار گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و سایتهای اینترنتی انجام گردیده است. نتایج یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که اقتصاد سوریه در دوران حضور داعش در این کشور آسیب جدی دیده است و به ویژه در حوزه انرژی با خسرانهایی مواجه گردیده است ولی اسرائیل با توجه به همجواری با سوریه و نزدیک بودن داعش به مرزهایش، از نظر اقتصادی نه تنها با چالش مواجه نبوده است بلکه اقتصاد انرژی آن با تحولات مثبت و روند افزایشی در صادرات همراه بوده است.

واژگان کلیدی: داعش، وضعیت اقتصادی، اقتصاد انرژی، سوریه، اسرائیل

۱. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

۲. گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (نویسنده مسئول)

* hojat_59_m@yahoo.com

۳. گروه علوم سیاسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران

۴. گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱۴



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره (سال) ۱۱،

شماره ۳، پیاپی ۴۲،

پاییز ۱۴۰۰

صفحات ۶۸-۳۱

مقدمه

خاورمیانه به عنوان قلب انرژی جهان، نقش مهمی در استراتژیهای توسعه برای کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دارد. وقتی بیش از ۶۰٪ انرژی دنیا در خلیج فارس قرار دارد لذا تسلط بر خاورمیانه برای قدرت‌های بزرگ که به دنبال تثبیت هژمونی سیاسی، اقتصادی و امنیتی خود هستند کاملاً راهبردی است. نکته قابل توجه این است که منطقه لوانت (بلاد الشام) در خاورمیانه از جنبه ژئوپولیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک برای قدرت‌های منطقه‌ای و قدرت‌های جهانی حایز اهمیت بسیاری است. تلاش برای هژمونی و نفوذ در منطقه لوانت طی قرن‌های متمادی ادامه داشته و خواهد داشت. نگاهی به استراتژیهای قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای نشان می‌دهد که این قدرت‌های مطرح منطقه‌ای و جهانی با روش‌های نرم و سخت در پی رقابتی نهان و پیدا در این منطقه‌اند. یکی از ابزارهای قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای تسلط بر منطقه لوانت استفاده از پتانسیل منازعه و شکاف‌های قومی و مذهبی موجود در میان واحدهای سیاسی حاضر در این منطقه است. اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ بستر مناسبی برای شکل‌گیری گروه‌های رادیکال مذهبی و تروریستی مانند القاعده را فراهم نمود. هر چند رویکرد خشونت‌آمیز این گروه و روی کار آمدن یک دولت مرکزی شیعی در عراق باعث تضعیف القاعده شد اما بحران سوریه نقطه عطفی در احیای گروه‌های رادیکال مذهبی - تروریستی بود و از دل القاعده به عنوان دولت اسلامی عراق و با گسترش دامنه فعالیت‌های آنها به سوریه، دولت اسلامی عراق و شام (داعش) شکل گرفت. دولتی که قدرت‌های فرامنطقه‌ای در ظهور و تقویت آن نقش اساسی ایفاء نمودند. با توجه به حضور کشور انقلابی ایران، وجود جبهه مقاومت ضد صهیونیسم تحت حمایت این کشور در خاورمیانه از یک طرف و وجود اسرائیل به عنوان شریک راهبردی آمریکا و غرب و تضادهای ایدئولوژیک با کشورهای اسلامی خاورمیانه از طرف دیگر، کشورهای فرامنطقه‌ای از قبیل آمریکا و انگلستان همواره به دنبال ایجاد یک کمربند حمایتی در دفاع از اسرائیل و ایجاد ثبات صدور انرژی به سمت غرب بوده‌اند.

با توجه به این که انرژی نقش تعیین کننده‌ای در معادلات اقتصاد جهانی دارد و قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خاورمیانه به دنبال ایفای نقش تعیین کنندگی در این منطقه

هستند لذا انرژی می‌تواند ابزار مهمی برای آنها قلمداد شود. آنها در این مسیر به دنبال استفاده از پتانسیلهای منازعه هستند. با ظهور داعش در خاورمیانه، وضعیت بحرانی در برخی کشورها مانند عراق، سوریه ایجاد شده و ویرانیهای بسیاری در این دو کشور رخ داد. این گروه تروریستی در بدترین شکل وحشیانه خود که تاکنون دیده شده است ظاهر شد و در زمینه اقتصادی خسارات زیادی را برای سوریه و عراق، ایجاد کرد. با توجه به این مسایل، آنچه که در این مقاله مسأله اصلی است اینکه اقتصاد انرژی کشورهای سوریه و اسرائیل در دوران ظهور داعش در چه وضعیتی قرار گرفت؟ آسیب پذیری دو کشور سوریه و اسرائیل بعد از ظهور داعش در حوزه اقتصاد انرژی چگونه بوده است؟

لاجرم این مسأله باعث شده است تا مقاله حاضر به بررسی آن بپردازد. با توجه به این که تحقیق حاضر یک تحقیق کیفی است لذا با روش و ماهیت توصیفی-تحلیلی به بررسی موضوع پرداخته شده است. پرسش اصلی مطرح شده این است که ظهور داعش بر وضعیت اقتصادی سوریه و اسرائیل به ویژه در حوزه اقتصاد انرژی چه تأثیراتی را داشته است؟ برای انجام تحقیق از ابزار گردآوری کتابخانه‌ای، سایتهای اینترنتی استفاده شده است. لازم به ذکر است برای آمارهای شاخص اقتصادی کشورهای مورد مطالعه، از منابع سایتهای اینترنتی معتبر استفاده شده است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از روش استدلال منطقی استقرایی-قیاسی، ابتدا داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده و پس از بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌ها، نتیجه‌گیری مربوطه ارائه شده است.

پیشینه پژوهش

در بررسیهای پیشینه پژوهشی انجام گرفته، در ارتباط با داعش و اقدامات آن، پژوهشهای زیادی انجام شده است؛ اما به طور خاص، بررسی وضعیت اقتصادی اسرائیل و سوریه که ظهور داعش بر آنها تأثیر داشته است پژوهشی یافت نشد؛ لذا مقاله حاضر از این حیث واجد جنبه نوآوری می‌باشد. در مقالات داخلی مرتبط، می‌توان به این مقالات اشاره کرد: سهیمی (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان چگونگی ظهور داعش و گروه‌های داعش‌گونه، منابع مالی و حامیان در خاورمیانه، با روش توصیفی-تحلیلی به این موضوع

می‌پردازد که داعش بدون حمایت دستکم برخی از کشورهای خاورمیانه قادر نخواهد بود که به حیات خود ادامه دهد. بنابراین پرسش‌های مهمی که این مقاله در جستجوی پاسخ برای آنها خواهد بود از این قرار هستند: حامیان اصلی داعش در منطقه چه کشورهایی هستند؟ منابع مالی داعش چیست؟ سپس با ذکر نام کشورهای عربستان سعودی، قطر، امارات متحده عربی و آمریکا به عنوان کشورهای حامی منابع مالی داعش، به توضیح این مسأله می‌پردازد. نساج و همکاران (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان شناسایی و تأمین منابع مالی داعش، بیان می‌کنند که صلح و امنیت همواره دغدغه اصلی کشورها بوده است. یکی از مسائلی که صلح و امنیت را با چالش مواجه می‌کند تروریسم و گروه‌های تروریستی می‌باشد. از راه‌های مقابله با این گروه‌های تروریستی را شناسایی منابع مالی آنها و مقابله با آنها می‌دانند. در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی کوشش کرده‌اند تا منابع مالی گروه تروریستی داعش را شناسایی و تحلیل نمایند. سازه اصلی این مقاله این است که میان منابع اقتصادی داعش و انجام عملیات تروریستی، ارتباط مستقیمی وجود دارد. و بدون پشتوانه مالی، انجام عملیات تروریستی امکان پذیر نیست. قاچاق نفت، اسلحه، آثار هنری و همچنین دریافت باج، آدم ربایی و دریافت کمک‌های مالی از غرب و کشورهای حاشیه خلیج فارس از مهمترین منابع مالی داعش بوده است.

در مقاله‌ای دیگر، با عنوان بسترهای شکل‌گیری و تداوم تروریسم در خاورمیانه مطالعه موردی داعش در عراق و سوریه، بصیری و همکاران (۱۳۹۵) بیان می‌کنند که بنیادگرایی اسلامی و تروریسم از مهمترین تهدیدات علیه صلح و امنیت خاورمیانه است. یکی از خطرناکترین نمودهای تروریسم در منطقه گروه داعش است. این گروه بخش‌های از عراق، سوریه و لیبی را به کنترل خود در آورده است. این مقاله به این پرسش پاسخ داده است که مهمترین علت تداوم و باز تولید گروه‌های تروریستی همچون داعش در خاورمیانه چیست؟ هرچند مدت طولانی است که بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مدعی مبارزه با گروه‌های تروریستی در خاورمیانه هستند، اما تاکنون موفقیتی در این زمینه حاصل نشده است. بر همین اساس در چارچوب نظریه بازی‌ها و معمای بن بست، فرضیه زیر مطرح شده است. منافع متضاد بازیگران ذینفع منجر به اتخاذ استراتژی عدم

همکاری شده است. این امر بستر مناسبی را برای شکل‌گیری و تداوم ظهور گروه‌های تروریستی مانند داعش در عراق و سوریه به وجود آورده است. دیانت و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان بررسی رابطه بین شاخصهای اقتصادی و گرایش به اسلام افراطی در آسیای مرکزی (مورد مطالعه: داعش)، به بررسی رابطه بین شاخصهای اقتصادی پنج کشور آسیای مرکزی و نقش آنها در گرایش به سمت اسلام افراطی در این منطقه پرداخته‌اند. با رویکرد نظری و روش کمی از نوع تحلیل ثانویه، به دنبال پاسخ به این پرسش بوده است که آیا بین شاخصهای اقتصادی و گرایش به اسلام افراطی در آسیای مرکزی رابطه وجود دارد؟ یافته‌های این مقاله نشان می‌دهند که میان شاخصهای اقتصادی مانند نرخ بیکاری، درصد جمعیت زیر خط فقر، شاخص انجام فعالیتهای تجاری، سرانه تولید ناخالص داخلی و امتیاز آزادی اقتصادی در ۵ کشور آسیای مرکزی تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین اختیاری‌امیری و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان مطالعه تطبیقی گروههای تروریستی القاعده و داعش، بیان می‌کنند که القاعده و داعش از جمله مهمتری کنشگران تروریستی محسوب می‌شوند که نقش مهمی در تحول مفهوم امنیت و پویایی آن در سالهای اخیر داشته‌اند. هدف پژوهش حاضر مطالعه مقایسه‌ای این گروهها می‌باشد. بر همین اساس، سوال اصلی بر این مبنا قرار گرفته است که وجوه تشابه و افتراق گروههای القاعده و داعش کدامند؟ روش تحقیق توصیفی تحلیلی است و داده‌ها از طریق منابع کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. با توجه به ماهیت گروههای تروریستی فوق‌الذکر، از رهیافت نظری سازه‌انگاری که بر غیریت‌سازی و انگاره تأکید دارد، استفاده شده است. یافته‌های پژوهش مبین این واقعیت است که گروههای تروریستی القاعده و داعش که مبنا و علت وجودی آنها بر اساس غیریت-سازی است، علیرغم برخی تشابهات هویتی در بسیاری از زمینه‌ها به ویژه در ساختار، اهداف، حوزه کارکردی، شیوه عملکرد، کیفیت رهبری، ابزارها از تفاوت‌های آشکاری با یکدیگر برخوردارند.

در پیشینه‌های پژوهشی خارجی می‌توان به این مقالات و کتابها اشاره کرد: هافمن و شویتزر^۱ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان جهاد سایبری در خدمت دولت اسلامی (داعش)،

1. Adam Hoffman & Yoram Schweitzer

تلاش کرده‌اند که فرایند عضوگیری و آموزش اعضاء توسط داعش از طریق شبکه‌های اجتماعی را بررسی کنند بیان می‌کنند که جهاد سایبری در واقع فرایندی است که داعش از طریق فضای مجازی به انجام اقدامات تروریستی علیه مخالفان خود اقدام می‌کند؛ همچنین بیان می‌کنند که داعش از طریق شبکه‌های توئیتر، تامبلر و فیس‌بوک به انجام تبلیغات برای اثرگذاری بر مخاطب می‌پردازد و از این طریق به جذب نیرو از کشورهای غربی اقدام می‌کند. گانگالی و ال ایسترابادی^۱ (۲۰۱۸) در کتابی با عنوان آینده داعش: پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی، بیان می‌کنند که دولت اسلامی (که بیشتر در غرب به عنوان داعش شناخته می‌شود) کمتر از یک دهه فعالیت داشته است، اما قبلاً موضوع تاریخ‌ها و مطالعات آکادمیک بوده است - همه در درجه اول به گذشته متمرکز شده‌اند. آینده داعش اولین مطالعه بزرگ است که به آینده نگاه می‌کند: در آینده نزدیک چشم‌انداز دولت اسلامی چیست و جامعه جهانی از جمله ایالات متحده برای مقابله با آن چه کاری می‌تواند انجام دهد؟ این کتاب که توسط دو محقق برجسته در دانشگاه ایندیانا ویرایش شده است، بررسی می‌کند که چگونه داعش نه تنها در خاورمیانه بلکه بر نظم جهانی تأثیر خواهد گذاشت. فصول این کتاب با سؤالاتی از این قبیل که آیا داعش از شکست اطلاعاتی سود می‌برد و چگونه برخورد می‌کند؟ و برای اصلاح هر گونه شکست چگونه می‌تواند اقدام شود؟ و چگونگی مقابله کردن با جذابیت گسترده نگرش ایدئولوژی دولت اسلامی؟ تدوین شده است. مک دووال^۲ (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان ظهور و سقوط دولت اسلامی در عراق و سوریه، بیان می‌کنند که هنگامی که نیروهای سوری با حمایت ایالات متحده حمله نهایی برای جلوگیری از محاصره خود در نزدیکی مرز عراق می‌کنند، دولت اسلامی با شکست سرزمینی روبرو می‌شود. این گاه‌شمار ظهور صاعقه، سلطنت بی‌رحمانه و سقوط تدریجی دولت اسلامی را توجیه می‌کند. در واقع در این مقاله با بررسی زمانی به تحولاتی که برای داعش در عراق و سوریه اتفاق افتاده است می‌پردازد. مثلاً بیان می‌کند که در ۲۰۱۱-۲۰۰۴ با هرج و مرج در پی حمله به رهبری ایالات متحده در سال ۲۰۰۳ به عراق، یک گروه القاعده در آنجا مستقر شد و نام

1. Šumit Ganguly & Feisal al-Istrabadi

2. Angus McDowall

خود را در سال ۲۰۰۶ به دولت اسلامی در عراق تغییر داد. در سال ۲۰۱۱ پس از آغاز بحران سوریه، رهبر این گروه ابوبکر البغدادی برای عملی کردن یک سازمان زیرمجموعه سوریه به آنجا اعزام می‌شود. بغدادی در سال ۲۰۱۳ و با شکست القاعده، نام خود را به گروه "دولت اسلامی در عراق و شام" تغییر داد.

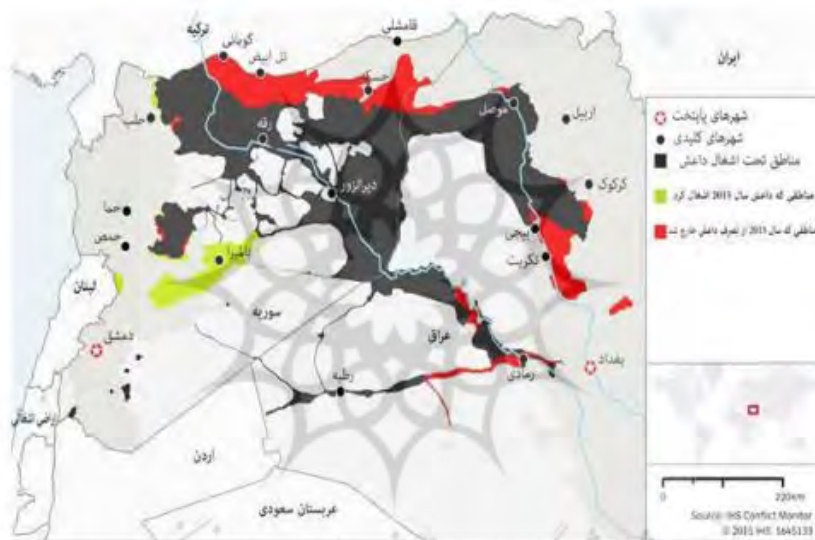
چارچوب نظری

در عصر حاضر، محور اصلی تعیین منافع حیاتی و راهبردی دولت‌ها، اقتصاد است و در واقع، راهبردها در این بستر شکل می‌گیرد. در این بستر، اتحادها یا منازعات اقتصادی جایگزین همگرایی‌ها و یا گروه‌بندی‌های سیاسی بین دولت‌ها شده و در واقع منافع مشترک اقتصادی در ارجحیت قرار می‌گیرد (Inan, 2011: 82). در آخرین مداخلات قرن بیست و یکم، مفهوم اساسی، اجرای آزادی اقتصادی بود و اساساً حفظ دسترسی به منابع طبیعی بود. به طوری که حتی پدیده داعش (ISIS) نمی‌تواند بدون حفظ و حفاظت از دسترسی آنها به استعمار منابع طبیعی، پایدار بماند (مجتهدزاده و مهکویی، ۱۳۹۷: ۱۷۵). «مطالعه پدیده‌های اقتصادی بدون در نظر گرفتن شرایط اقتصادی مؤثر بر آن و نیز عوامل تأثیرگذار سیاسی، نارسا خواهد بود» (باقری دولت‌آبادی و ملکی‌فر، ۱۳۹۸: ۶۴). در دنیای کنونی و با شکل‌گیری روابط پیچیده میان دولت‌ها، نقش سیاست خارجی در توسعه اقتصادی بسیار تعیین‌کننده است و برای کشورهای در حال توسعه، این مسأله اهمیت ویژه‌ای دارد. همان‌گونه که آپاندورای^۱ (۱۹۹۲) بیان می‌کند: «سیاست خارجی یک کشور در حال توسعه به چهار شکل می‌تواند توسعه اقتصادی آن را تحت تأثیر قرار دهد: ۱. می‌تواند به تأمین کمک خارجی برای توسعه کشور کمک کند؛ ۲. می‌تواند مشوق یا مانع جذب سرمایه خارجی کشور باشد؛ ۳. می‌تواند در بعد تجاری با تشویق یا متوقف کردن صادرات، بر موازنه پرداختها و توسعه کشور اثر بگذارد؛ ۴. می‌تواند از راه تشویق سرمایه‌گذاری مشترک خارجی، همکاری مشترک اقتصادی و تولید در نتیجه آن توسعه اقتصادی را تسریع کند. توسعه اقتصادی در هر شکل و قالبی، ارتباط نزدیکی با ملاحظات سیاست خارجی دارد. از درون این ارتباط، مفهوم جدیدی به نام دیپلماسی

اقتصادی متولد می‌شود. بن‌مایه مفهوم دیپلماسی اقتصادی، کلمه دیپلماسی است که به معنی فن، تدبیر و یا روش مسالمت‌آمیز مدیریت بین واحدهای سیاسی و ابزاری برای پیشبرد سیاست خارجی دولتها شناخته می‌شود. به عقیده آپاندورای دیپلماسی اقتصادی شامل اقدامات رسمی دیپلماتیکی است که بر افزایش صادرات، جذب سرمایه خارجی و شرکت در سازمانهای اقتصادی بین‌المللی تأکید دارد. در تعریف دیگری، دیپلماسی اقتصادی در مفهوم کارکردی کردن دیپلماسی در عرصه اقتصاد و به کارگیری توانایی‌های بالقوه و بالفعل دیپلماسی برای تحقق اهداف اقتصادی کشورها بکار گرفته شده است» (کولایی و واعظی، ۱۳۹۱: ۲۵۲-۲۵۱) (باقری دولت‌آبادی و ملکی‌فر، ۱۳۹۸: ۶۷). در گفتمان امروز قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، بخشی از تحقق یافتن اهداف اقتصادی در سیاست خارجی با حمایت و ایجاد گروههای تروریستی تأمین می‌شود. بنابراین پیدایش داعش^۱ به موازات تحول در ساختارهای امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای و افزایش دخالت قدرتهای خارجی و قرار دادن منطقه در چرخه بسته نامنی و تهدید، فرایندهای موجود را نیز دستخوش تحول کرد که نماد آن را در افزایش تنش بین ایران و عربستان سعودی می‌توان دید (خلیلی و چهری، ۱۳۹۶: ۴۲). در واقع داعش مرحله یا نسل جدیدی از حرکت‌های طرفدار احیای اسلام اولیه با تعریف خاص خود از آن است و با این شعار و بهره‌گیری از انگاره‌هایی چون خلافت و اسلام نخستین، همواره جامعه مسلمانان را به سوی خویش فراخوانده است. که این برداشت داعش از اسلام خود باعث واژگون‌سازی جریان اسلام سیاسی و ارایه بدیلی بدینما و تصویری همراه با خشونت ذاتی، متعصب و مداراناپذیر از اسلام شده است. بر این اساس، داعش امروزه با برجسته کردن تعبیر ایدئولوژیک از اسلام به روایت خودش، نه تنها منشأ اختلاف افکنی میان مسلمانان شده بلکه باعث ترسیم چهره‌ای به شدت ترسناک و مهیب از اسلام نیز شده است. از این رو رویکرد هویتی-ایدئولوژیک بیش از آنکه رویکردی برای تبیین آثار و پیامدهای شکل‌گیری داعش باشد، رویکردی برای دامن زدن به اختلافات و ارایه تصویری خشونت بار از اسلام با در کانون توجه قرار دادن داعش است. از نگاه داعش، هویت مذهبی در عصر حاضر بر اثر گسترش معرفت‌شناسی سکولار در عصر

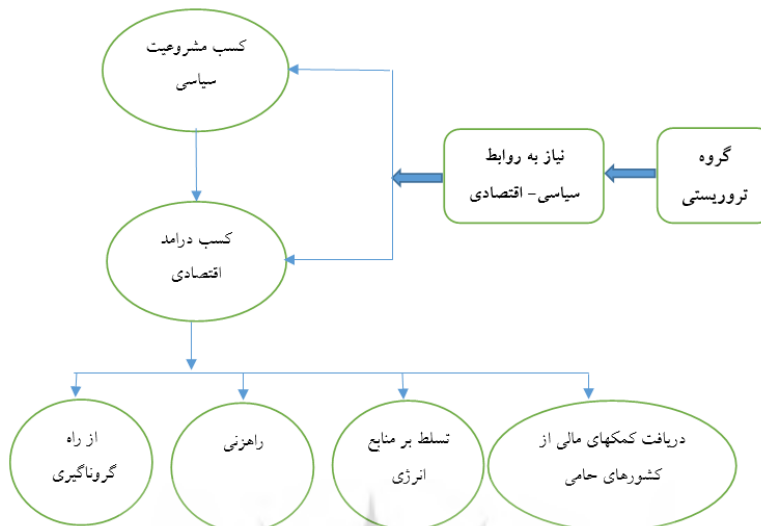
1. Islamic State of Iraq and Syria (ISIS)

جهانی شدن، بیش از گذشته تهدید و به حاشیه رانده شده و مشکل هویتی غرب آسیا و وجود تعارضهای هویتی چندگانه، خود باعث نوعی آنتروپی و در هم ریختگی اجتماعی - فرهنگی در منطقه شده است. بر این مبنای جستجو برای یافتن هویتی جدید و حس تعلق و هدفمندی از عواملی هستند که افراد را به نام جهاد به سوی جریانات تارشرگی سوق می دهند و باعث افزایش تنشها در منطقه می شوند. به علاوه داعش به تعبیر برخی به دنبال کاهش احیای اسلام به روایت سلفی - وهابی و در تقابل با روایت شیعی شکل گرفته که خود منشأ تنش و ناامنی است (خلیلی و چهری، ۱۳۹۶: ۳۳).



شکل شماره ۱. نقشه مکانهای تحت کنترل داعش در سال ۲۰۱۵

بیزدان پناه و جعفری، ۱۳۹۷: ۲۳۳



شکل شماره ۲. مدل مفهومی تحقیق

نگاهی به وضعیت اقتصادی داعش

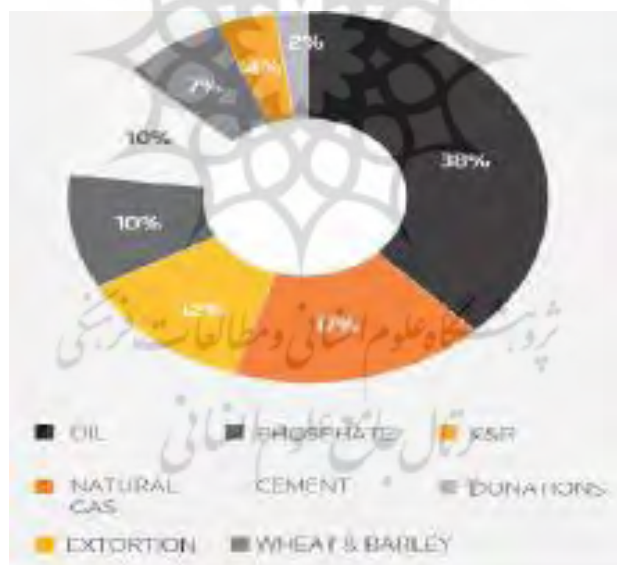
داعش در اوج قدرت خود در سال ۲۰۱۴، بیش از ۲ میلیارد دلار از چاه‌های نفتی توقیف شده، بانکهای غارت شده و اخاذی از جمعیت تحت کنترل خود جمع کرد. به طرز نگران کننده‌ای قادر به اخاذی مالیات از میلیونها غیرنظامی بود که در داخل قلمرو تحت سیطره‌اش خود زندگی و کار می‌کردند. سیستم تعرفه پیشرفته آنها همه چیز را از درآمد تا معاملات بانکی گرفته تا آموزش دانش آموزان مدارس برای حصول بیش از ۳۰۰ میلیون دلار در سال، مشمول مالیات قرار می‌داد. علاوه بر مالیات، داعش منابع اساسی را کنترل می‌کرد، از جمله مواد اصلی مواد غذایی مانند گندم و جو، معادن و کارخانه‌های سیمان و البته نفت که مجموعاً بیش از ۵۰۰ میلیون دلار در سال در زمان اوج تولید در سال ۲۰۱۴ به حساب می‌آمد. عملیات منطقه‌ای داعش رونق گرفت زیرا آنها توانستند فتح سودآوری کنند. همان‌طور که تیم دایس^۱ (۲۰۱۶) یکی از محققان نظامی یادآور شده، "ارزشمندترین دارایی و مرکز ثقل" داعش زمینی است که در عراق و سوریه در اختیار دارد (Jasper & Moreland, 2016).

1. Tim Daiss

قابل ذکر است که غارت منابع و کمک‌های خارجی نقش مهمی در تداوم فعالیتهای این جنگ جدید داشته است. پنجاه میلیون دلار درآمد ماهیانه این گروه از فروش نفت به دست آورده می‌شد. در آوریل ۲۰۱۵ فروش نفت این گروه از خاک سوریه به ۴۶,۷ میلیون دلار رسید. ۲۵۳ چاه نفت در سوریه تا قبل از پیشروی‌های کنونی مقاومت و ارتش سوریه در کنترل این گروه بوده است. ۱۶۱ حلقه از این چاه‌ها عملیاتی هستند. ۲۷۵ مهندس و ۱,۱۰۷ کارگر اداره این این حلقه‌های چاه را بر عهده داشتند. غارت منابع به حوزه منابع مالی نیز کشیده شده بود. در ۲۰۱۴ داعش به بیش از نیم میلیارد دلار از دارایی‌های نقدی عراق در بانکهای نینوا، الانبار، صلاح‌الدین و کرکوک دست پیدا کرده بود. کنترل بخشهایی از مرزهای عراق به دست این گروه، درآمدهای پاسپورت و عبور و مرور را نیز نصیب این بازیگر گرایش به استقلال مالی هم از نظر داخلی و هم خارجی، توان کرد پایداری این نوع جنگها را دو چندان می‌کند. قاچاق انسان و آدم‌ربایی برای باجگیری از کشورهای مختلف دنیا از دیگر منابع مالی داعش است. بر طبق گزارش سازمان ملل داعش در ۲۰۱۴ از طریق آدم‌ربایی ۳۵ تا ۴۵ میلیون دلار درآمد داشته است. نیروهای داعش از خانواده خبرنگار آمریکایی دربند خود ۱۰۰ میلیون یورو در قبال آزادی او طلب کردند. فرانسه ۱۸ میلیون دلار برای آزادی چهار تبعه خود در ۲۰۱۴ به داعش پرداخت کرد (سلطانی‌گیشینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۷-۱۲۶).

نکته دیگری که قابل ذکر است حمایت کشورهای منطقه خلیج فارس از داعش نیز در تداوم فعالیتهای این گروه نقش برجسته‌ای داشته است. تجار قطری به نمایندگی از دولت این کشور، اقدام به اعطای کمکهای مالی به داعش می‌کردند. از جمله این تجار می‌توان به «عبدالرحمن النعیمی» اشاره کرد که ماهانه دهها میلیون دلار به تروریستهای داعش در عراق کمک می‌کرد. در سالهای ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ داعش، مبلغ ۴۰ میلیون دلار کمک از عربستان، قطر و کویت دریافت کرد. به عبارتی، حامیان داعش، منافع خود را در لوای اقدامات این گروه تروریستی دنبال می‌کردند. کشاندن این بحران به سوریه در راستای منافع غرب، رژیم صهیونیستی و هم پیمانان منطقه‌ای آن بود. از این رو، داعش مورد حمایت نظامی-مالی این کشورها بوده است (سلطانی‌گیشینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۷).

در زمان اوج حضور داعش، دسترسی زیادی به منابع اقتصادی و جغرافیایی برای این گروه تروریستی وجود داشت هر چند به عنوان یک کشور مستقل نمی‌توانست عمل نمی‌کند و در قالب گروه تروریستی در حال اقدام بود. منابع اقتصادی فراوان باعث رشد سریع و مقاومت این تشکیلات در برابر گروه‌های ائتلاف بود. منابع مالی و مراکز نفتی و گازی قابل توجهی در منطقه تحت کنترل این گروه قرار گرفت که در راستای پیشبرد اهداف آنان مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت. همان‌گونه که در شکل (۳)، نیز مشاهده می‌گردد قسمت عمده منابع مالی این گروه بواسطه منابع نفت و گاز در منطقه بوده است؛ در کنار این منابع، برخی از پالایشگاه‌های نفتی و پتروشیمی عراق و سوریه که در منطقه تمرکز داعش قرار داشتند نیز در اختیار داعش بوده است. کارخانه فسفات و اسید سولفوریک که از جمله کارخانه‌های صنعتی بزرگ منطقه هستند نیز در اختیار نیروهای داعش قرار داشت. مطابق با گزارش مراکز تحلیلی، آنچه که برآورد می‌شد این گروه تروریستی سالانه ۲/۹ بیلیون دلار درآمد داشته است (حاتمی، ۱۳۹۴: ۱۵۷-۱۵۶).



شکل شماره ۳. انواع منابع مالی داعش در سال ۲۰۱۵

حاتمی، ۱۳۹۴: ۱۵۶

وضعیت اقتصاد انرژی اسرائیل

اقتصاد اسرائیل طی چند سال گذشته یکی از بهترین عملکردهای کشورهای OECD را به ثبت رسانده است. از اواسط دهه ۲۰۰۰، رشد تولید ناخالص داخلی به طور متوسط ۳.۷٪ بوده است که دلیل اصلی آن افزایش جمعیت در سن کار و میزان مشارکت است. پس از رسیدن به ۳.۴٪ تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۸، رشد در سال ۲۰۱۹ اندکی افزایش یافت، که توسط صندوق بین‌المللی پول ۳.۵٪ از تولید ناخالص داخلی تخمین زده شد. رشد هنوز توسط تقاضای داخلی و پروژه‌های بزرگ پشتیبانی می‌شود، اما به دلیل شیوع بیماری همه‌گیر COVID-19 انتظار می‌رود که کند شود. و دوم به دلیل کاهش بازار کار، اتلاف اثرات محرک مالی و کاهش سرعت سرمایه‌گذاری به دلیل عدم اطمینان در ارتباط با تنشهای تجاری و ژئوپولیتیکی. طبق پیش‌بینی‌های به روز شده صندوق بین‌المللی پول از ۱۴ آوریل ۲۰۲۰، با توجه به COVID-19، انتظار می‌رود رشد تولید ناخالص داخلی به ۶.۳٪- در سال ۲۰۲۰ کاهش یابد و به ۵٪ برسد، به شرط بهبود اقتصاد جهانی پس از همه‌گیری. با این وجود بهره‌برداری از میداین گازی لویاتان باید رشد را تحریک کند. در درازمدت، افزایش نسبت جمعیت‌های کم مهارت (حزیدیم فوق ارتدوکس^۱)، عربهای اسرائیلی و جمعیت فعال (این میزان باید از ۲۵٪ تا ۴۰٪ تا سال ۲۰۴۵ کاهش یابد) موانع بالقوه رشد هستند

<https://www.nordeatrade.com/en/explore-new->

[-\(market/israel/economical-context](https://www.nordeatrade.com/en/explore-new-(market/israel/economical-context)

بین سالهای ۲۰۰۴ و ۲۰۱۳، رشد تقریباً ۵٪ در هر سال، به رهبری صادرات انجام گرفته است. بحران مالی جهانی ۲۰۰۹-۲۰۰۹ موجب ایجاد رکود مختصری در اسرائیل شد، اما این کشور پس از سالها سیاست مالی محتاطانه و یک بخش بانکی مقاوم، با اصول اساسی محکم وارد بحران شد. اقتصاد اسرائیل همچنین بهار عربی ۲۰۱۱ را پشت سر گذاشت زیرا روابط تجاری قوی در خارج از خاورمیانه اقتصاد این کشور را از اثرات این بهار عربی مصون کرد. کاهش تقاضای داخلی و بین‌المللی و کاهش سرمایه‌گذاری ناشی از اوضاع امنیتی نامشخص اسرائیل، رشد تولید ناخالص داخلی را به طور

1. Ultra-Orthodox Haredim

متوسط تقریباً ۲.۸٪ در سال طی دوره ۱۷-۲۰۱۴ کاهش داد. در بین مردم تصور گسترده‌ای وجود دارد که تعداد کمی از "سرمایه داران بزرگ" تسلط بر کارتل مانند بخشهای اصلی اقتصاد دارند. مقامات دولتی خواستار اصلاحاتی برای تقویت عرضه مسکن و افزایش رقابت در بخش بانکی برای رسیدگی به این شکایات عمومی شده‌اند. علیرغم درخواست اصلاحات، محدودیت عرضه مسکن همچنان بر جوانان اسرائیلی که به دنبال خرید خانه هستند تأثیر می‌گذارد (https://theodora.com/wfbcurrent/israel/israel_economy.html, 2020).

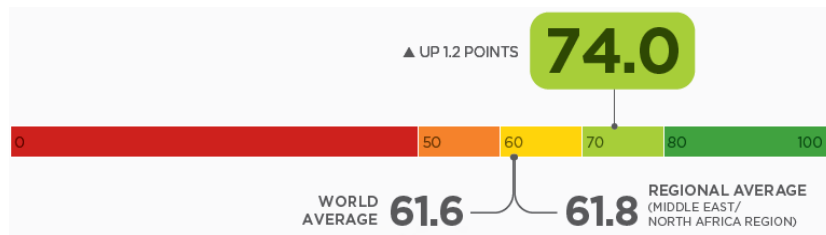
اقتصاد اسرائیل با سالها انضباط مالی و محدودیت در هزینه‌ها، حتی اگر تمایل به کند شدن داشته باشد و اگر دارایی‌های عمومی اندکی خراب شود، در سال ۲۰۱۹ به عملکرد خوبی ادامه داد. در این زمینه، ایجاد کمیته ثبات مالی با استقبال صندوق بین‌المللی پول روبرو شده است. مصرف خصوصی به لطف شرایط مناسب اشتغال، سیاست پولی سازگار، نرخ تورم پایین (۰.۸٪ در سال ۲۰۱۹) و سیاست مالی انبساطی، همچنان از رشد حمایت می‌کند. صندوق بین‌المللی پول کسری بودجه را ۳.۸٪ از تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۹ (در مقایسه با ۳.۴٪ در سال ۲۰۱۸، و هنوز هم بالاتر از هدف ۲.۹٪) و بدهی عمومی را حدود ۶۲٪ از تولید ناخالص داخلی، تخمین زده است. به ترتیب برای سالهای ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱، صندوق بین‌المللی پول کسری بودجه پایدار در حدود ۳.۸٪ از تولید ناخالص داخلی و افزایش بدهی عمومی را نشان می‌دهد که نمایانگر ۶۲.۸٪ از تولید ناخالص داخلی و ۶۳.۵٪ از تولید ناخالص داخلی است. طبق آخرین چشم‌انداز اقتصاد جهانی صندوق بین‌المللی پول (آوریل ۲۰۲۰)، نرخ تورم باید به ۱.۹٪- در سال ۲۰۲۰ کاهش یابد و در سال ۲۰۲۱ به ۰.۵٪ افزایش یابد. بن‌بست سیاسی کشور - نخست‌وزیر بنیامین نتانیاهو که نتوانسته دولت ائتلافی تشکیل دهد و این کشور برای رأی‌گیری برای سومین بار در یک سال در مارس ۲۰۲۰ آماده می‌شد - تصویب بودجه سال ۲۰۲۰ را غیرممکن کرد. بنابراین، از اول ژانویه سال ۲۰۲۰، این کشور بر اساس مصوبات بودجه سال ۲۰۱۹ فعالیت می‌کند. که به عنوان "سومین بودجه اجتماعی" ارائه شد، شامل چندین اصلاحات مانند رفع موانع واردات شخصی، کاهش

بار مالیات بر خانواده‌ها، یک برنامه ملی پرستاری، افزایش رقابت در بازار تلویزیون، ساده‌سازی تعویض بانک، کاهش هفته کاری، کاهش تعطیلات، کاهش استفاده از پول نقد، افزایش عرضه مسکن و ترویج ادغام در بازار کار از طریق یارانہ. موشه کهلون^۱ وزیر دارایی اعلام کرد که از سمت خود کناره‌گیری خواهد کرد، اما هدف وی از بهبود دسترسی به مسکن و کاهش هزینه‌های زندگی باید اولویت اصلی دولت باقی بماند. نتانیاهو همچنین خواستار افزایش قابل توجه دراز مدت بودجه نظامی در دهه آینده، از سال ۲۰۱۹ ("مفهوم امنیتی ۲۰۳۰") بود. در دراز مدت، اسرائیل به دلیل رشد متوسط بهره‌وری، علیرغم پویایی بخش فناوری پیشرفته، نیازهای بزرگ زیرساختی (ترافیک سنگین) و فقر زیاد، با چالش‌های رشد و ثبات روبرو است ([https://www.nordeatrade.com/en/explore-new-\(market/israel/economical-context](https://www.nordeatrade.com/en/explore-new-(market/israel/economical-context)).

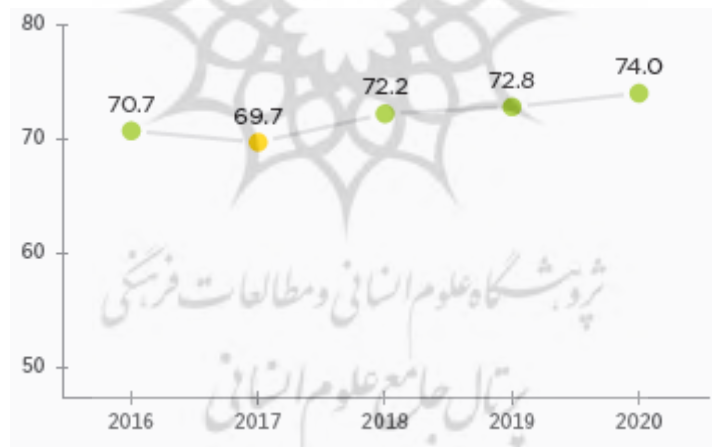
نمره آزادی اقتصادی اسرائیل ۷۴ است که اقتصاد آن را در رتبه ۲۶ ام در شاخص سال ۲۰۲۰ قرار می‌دهد. نمره کلی آن ۱.۲٪ افزایش یافته است، و یک امتیاز قابل توجه برای صداقت دولت کسب کرده است. اسرائیل در میان ۱۴ کشور منطقه خاورمیانه و آفریقای شمالی در رتبه ۲ قرار دارد و امتیاز کلی آن بسیار بالاتر از میانگین منطقه‌ای و جهانی است. اقتصاد اسرائیل برای سومین سال متوالی در رده‌های عمدتاً آزاد بالاتر رفته است. این عملکرد با رشد سالم تولید ناخالص داخلی منعکس شده است. از زمان ایجاد شاخص در سال ۱۹۹۵، هزینه‌های دولت شاخصی است که به طور مداوم مانع آزادی اقتصادی بیشتر در اسرائیل شده است. باید دید آیا دولت جدید با اجرای کاهش هزینه‌ها و سایر محدودیت‌های مالی می‌تواند اراده سیاسی برای حل این مشکل را جلب کند. سایر سیاست‌های طرفدار تجارت، از جمله ثبات پولی، تجارت آزاد و بازارهای باز سرمایه، از حمایت گسترده‌ای برخوردار هستند و باید تداوم پیشرفت اقتصادی را تضمین کنند. بالاترین نرخ مالیات بر درآمد شخصی ۴۸٪ است و نرخ مالیات شرکتها به ۲۳٪ کاهش یافته است. مالیاتهای دیگر شامل مالیات بر ارزش افزوده و سود سرمایه است. بار مالیاتی کلی برابر با ۳۲/۷٪ از کل درآمد داخلی است. هزینه‌های دولت طی سه

1. Moshe Kahlon

سال گذشته ۳۹.۴٪ از تولید کشور (تولید ناخالص داخلی) بوده است و کسری بودجه نیز به طور متوسط ۱.۵٪ از تولید ناخالص داخلی بوده است. بدهی عمومی معادل ۵۹.۶٪ تولید ناخالص داخلی است (https://www.heritage.org/index/pdf/2020/countries/Israel.pdf).



شکل شماره ۴. نمودار امتیاز آزادی اقتصادی اسرائیل در سال ۲۰۲۰
<https://www.heritage.org/index/pdf/2020/countries/israel.pdf>



شکل شماره ۵. نمودار روند اخیر آزادی اقتصادی اسرائیل (۲۰۱۶-۲۰۲۰)
<https://www.heritage.org/index/pdf/2020/countries/israel.pdf>

جدول شماره ۱. واقعیت‌های اقتصادی اسرائیل در سال ۲۰۲۰

نرخ بیکاری ۴٪	جمعیت ۸.۹ میلیون نفر
تورم ۰.۸٪	تولید ناخالص داخلی (GDP) ۳۳۷/۲ میلیارد دلار
بدهی عمومی ۵۹/۶٪ از GDP	۳٪/۳ رشد در سال ۲۰۱۸ برای یک بازه ۵ ساله
جریان سرمایه مالی: ۲۱/۸ میلیارد دلار	رشد سالیانه ۳/۴٪
	درآمد سرانه ۳۷.۹۷۲ دلار

<https://www.heritage.org/index/pdf/2020/countries/israel.pdf>

۴۷



واکاوی تأثیر ظهور
داعش بر وضعیت
اقتصاد انرژی در
سوریه و اسرائیل

با وجود تنش‌های منطقه‌ای، اسرائیل یکی از با ثبات‌ترین کشورهای منطقه است. می‌توان گفت که اسرائیل یکی از بالاترین سطوح زندگی را در منطقه دارد. متوسط حقوق در اسرائیل مانند متوسط حقوق در اروپا است. با این حال، ۲۵٪ از اسرائیلی‌ها در فقر زندگی می‌کنند و نابرابری نسبتاً زیاد است، که این اعتراضات اجتماعی را توجیه می‌کند. به علاوه، خانوارها از قیمت املاک و مستغلات و هزینه‌های بالای زندگی رنج می‌برند (طبق مطالعه مرکز Taub، هزینه زندگی اسرائیل ۲۳٪ بیشتر از متوسط OECD است). نرخ بیکاری که به دلیل بحران جهانی افزایش یافته است، اکنون در کمترین میزان در ۳۰ سال گذشته است (طبق آمار صندوق بین‌المللی پول ۳.۸٪، براساس دفتر آمار اسرائیل ۳.۹٪). طبق آمار صندوق بین‌المللی پول، اسرائیل باید سیاست‌های خود را برای اطمینان از ادغام اجتماعی و اقتصادی اقلیتهای عرب و خریدیم ادامه دهد. علاوه بر این، صندوق بین‌المللی پول انتظار دارد که روند بی‌بهره ماندن از تأثیر اقتصادی منفی بیماری همه‌گیر COVID-19 به شدت تحت تأثیر قرار گیرد، در حال حاضر تخمین زده می‌شود که این نرخ در سال ۲۰۲۰ به ۱۲٪ افزایش یابد و در سال ۲۰۲۱ اندکی به ۷.۶٪ کاهش یابد ([www.nordeatrade.com/en/explore-new-\(market/israel/economical-context](https://www.nordeatrade.com/en/explore-new-(market/israel/economical-context)

جدول شماره ۲. شاخصهای اصلی اقتصادی اسرائیل^۱ ۲۰۱۷-۲۰۲۱

شاخصهای اصلی	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	*۲۰۲۰	*۲۰۲۱
تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار آمریکا)	۳۵۳/۲۵*	۳۷۰/۵۹	۳۸۷/۷۲	۴۱۰/۵۰	۴۳۳/۱۷
تولید ناخالص داخلی (قیمت ثابت، تغییر سالانه به درصد)	۳/۶	۳/۴	۳/۵	۳/۶	۵
تولید ناخالص داخلی به درآمد سرانه (میلیارد دلار آمریکا)	۴۰.۵۵۹	۴۱.۷۲۸	۴۲.۸۲۳	۴۴.۴۷۴	۴۶.۰۳۳
تراز عمومی دولت (درصد به تولید ناخالص داخلی)	-۲/۲	*-۳/۴	-۳/۸	-۳/۸	-۳/۸
بدهی ناخالص عمومی دولت (درصد به تولید ناخالص داخلی)	۶۰/۴	۶۰/۸	۶۱/۹	۶۲/۸	۶۳/۵
نرخ تورم (درصد)	۱/۲	۱/۸	۱/۸	-۱/۹	۱/۵
نرخ بیکاری (درصد به نیروی کار)	۴/۲	۴	۳/۸	۱۲	۷/۶
حساب جاری (میلیارد دلار آمریکا)	۹/۴۷	۱۰/۰۹	۹/۱۱	۱۰/۳۹	۱۰/۹۸
حساب جاری (درصد به تولید ناخالص داخلی)	۲/۷	۲/۶	۳/۵	۳/۵	۳/۲

Source: IMF – World Economic Outlook Database, 2016

۱. نکته اول: داده‌ها برآورد شده‌اند (*).

نکته دوم: شاخص‌های زیر توسط صندوق بین‌المللی پول در آوریل ۲۰۲۰ به روز شده است: تولید ناخالص داخلی (قیمت ثابت، تغییر٪ سالانه)، نرخ تورم (٪)، نرخ بیکاری (٪ نیروی کار) و حساب جاری (در٪ تولید ناخالص داخلی)؛ بقیه شاخصها آخرین بار در اکتبر ۲۰۱۹ به روز شده‌اند.

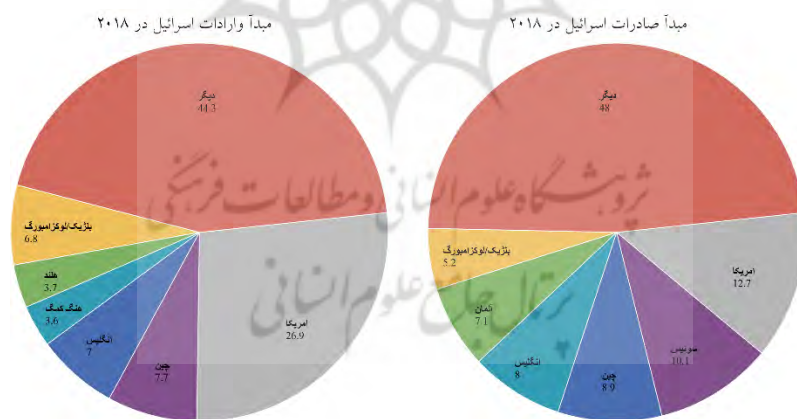
نکته سوم: شاخص تولید ناخالص داخلی (قیمت ثابت، تغییر سالانه) توسط صندوق بین‌المللی پول در ژوئن ۲۰۲۰ به روز شد.

علیرغم جنگ سال ۲۰۰۶ علیه حزب الله لبنان، مبارزات مکرر نظامی علیه حماس در غزه و تهدید مداوم تروریسم، اقتصاد بازار مدرن اسرائیل کاملاً سالم و پویا است. بخش پر رونق فناوری پیشرفته اسرائیل سرمایه‌های خارجی قابل توجهی را به خود جلب می‌کند و کشف ذخایر بزرگ گاز طبیعی دریایی باعث بهبود امنیت انرژی و چشم‌انداز تراز پرداخت‌ها شده است. <https://www.heritage.org/index/pdf/2020/countries/israel.pdf>. منابع معدنی شامل پتاس، برم و منیزیم است که دو منبع آخر از آبهای دریای بحرالمتیت به دست می‌آیند. سنگ معدن مس در آراوا^۱، فسفاتها و مقادیر اندک گچ در نگف^۲ و مقداری سنگ مرمر در جلیله^۳ واقع شده است. اسرائیل در دهه ۱۹۵۰ بهره‌برداری محدود از نفت را آغاز کرد و ذخایر کوچک نفتی در شمال نقب و جنوب تل‌آویو پیدا شده است. این کشور همچنین دارای ذخایر گاز طبیعی در شمال نگف در شمال شرقی برشیا^۴ و دریای مدیترانه است. صنعت برق ملی شده و برق عمدتاً از ایستگاه‌های حرارتی با سوخت زغال سنگ و روغن تولید می‌شود. دولت برق فشرده روستایی را تشویق کرده و برق با سرعت مطلوبی را برای کشاورزی و صنعت تأمین کرده است. کمیسیون انرژی اتمی اسرائیل در سال ۱۹۵۲ تأسیس شد و یک بررسی جامع از منابع طبیعی کشور و پرسنل علمی و فنی آموزش دیده انجام داده است. یک راکتور اتمی کوچک برای تحقیقات هسته‌ای با کمک آمریکا در جنوب تل‌آویو ساخته شد. راکتور دوم، ساخته شده در نگف با کمک فرانسه، برای تحقیقات سلاحهای نظامی استفاده می‌شود.

دسترسی به بازارهای خارجی برای گسترش اقتصادی بیشتر امری حیاتی بوده است. اسرائیل با اتحادیه اروپا و ایالات متحده توافقنامه تجارت آزاد دارد و عضوی از سازمان تجارت جهانی است. این توافقنامه‌ها و بسیاری از نوآوریهای صنعتی و علمی اسرائیل به این کشور اجازه داده تا با وجود عدم دسترسی به بازارهای منطقه‌ای در خاورمیانه،

1. Arava
2. Negev
3. Galilee
4. Beersheba

تجارت موفقیت‌آمیزی انجام دهد. با این حال، یک مشکل اساسی کسری تراز تجاری سالانه بزرگ و مداوم کشور بوده است. واردات عمدتاً از مواد اولیه (از جمله الماس درشت)، کالاهای سرمایه‌ای و مواد غذایی تشکیل می‌شود. صادرات در طی دهه ۱۹۹۰ بیش از دو برابر افزایش یافت و بسیار متنوع شد و در تمام بخشهای عمده تولید و کشاورزی به وجود آمد. محصولات با فناوری پیشرفته در فهرست صادرات قرار دارند و اسرائیل در خارج از فصل میوه (از جمله مرکبات)، سبزیجات و گلها را در سراسر اروپا به فروش می‌رساند. بزرگترین شرکای تجاری آن ایالات متحده و چین است (https://www.britannica.com/place/Israel/Economy, 2020). ارزش کل صادرات و واردات کالاها و خدمات معادل ۵۶.۸٪ از تولید ناخالص داخلی است. میانگین نرخ تعرفه اعمال شده ۱.۹٪ است و ۸۸ اقدام غیر تعرفه‌ای اعمال می‌شود. رژیم سرمایه‌گذاری، مدرن و کارآمد است و از سطح سرزنده سرمایه‌گذاری خارجی پشتیبانی می‌کند. مؤسسات مالی طیف گسترده‌ای از خدمات را ارائه می‌دهند و اعتبار با شرایط بازار به راحتی در دسترس است. بازارهای سرمایه به تدریج آزاد شده‌اند (https://www.heritage.org/index/pdf/2020/countries/israel.pdf).



در حال حاضر در اقتصاد اسرائیل، انرژی نفت و گاز نقش مهمی دارند. میدین گازی تامار و لویاتان از بزرگترین منابع انرژی گاز در منطقه لوانت است که متعلق به اسرائیل می‌باشند. «با آغاز به تولید میدان تامار از نیمه سال ۲۰۱۳ میلادی، آرامش خاطر اسرائیلی‌ها بیشتر شده است خصوصاً که تولید میدان مورد بهره‌برداری قبلی (ماری-ب^۱) رو به کاهش گذاشته بود. اطلاعاتی در دست نیست که میدان تامار، چه زمانی به اوج تولید خود برسد اما آنچه که مسلم است با فرارسیدن این اوج تولید و نیز با تولید گاز از میدان کوچکتر دالیت، اسرائیل از واردات گاز طبیعی بی‌نیاز گردیده و بخش بیشتری از سوخت ذغال‌سنگ نیروگاه‌ها را نیز با گاز طبیعی جایگزین خواهد کرد. این دو عامل چندین میلیارد دلار در سال هزینه واردات انرژی اسرائیل را کاهش خواهد داد و همچنین موجب کاهش حجم قابل توجهی از انتشارات آلاینده‌های کربن خواهد شد. طبق برنامه اسرائیل سهم گاز در تولید برق این کشور به ۶۰٪ خواهد رسید. اسرائیلی‌ها کشف میدان بزرگ لویاتان در سال ۲۰۱۰ را یک موهبت الهی تلقی کردند باتوجه به تأمین کامل گاز مورد نیاز داخلی از میدین قبل‌الذکر، میدان لویاتان برای صادرات گاز در نظر گرفته شده است. ضمناً دولت اسرائیل برنامه‌هایی را برای مایع‌سازی گاز طبیعی (تولید LNG)، برای مواجهه با اوج و فرود مصرف گاز، در برنامه دارد. اگر اسرائیل موفق به صادرات ۷.۶ میلیارد مترمکعب گاز به اروپا شود ممکن است این عدد در مقایسه با ۱۳۰ میلیارد مترمکعب گازی که اروپا از روسیه گاز وارد می‌کند عدد قابل توجهی نباشد اما در مقایسه با اعداد واردات گاز اروپا از مدیترانه غربی، نسبتاً قابل توجه است» (حسنتاش، ۱۳۹۵/۸/۲۸، سایت مرکز بین‌المللی مطالعات صلح IPSC).

میدین گاز طبیعی کشف شده در سواحل اسرائیل از سال ۲۰۰۹ چشم‌انداز امنیت انرژی اسرائیل را روشن‌تر کرده است. میدان‌های تامار و لویاتان از بزرگترین یافته‌های گاز طبیعی دریایی در دهه اخیر بوده است. مسائل سیاسی و نظارتی، توسعه میدان عظیم لویاتان را به تأخیر انداخته است، اما تولید از تامار ۰.۸٪ افزایش تولید ناخالص داخلی اسرائیل در سال ۲۰۱۳ و ۰.۳٪ افزایش در سال ۲۰۱۴ را به وجود آورد. اسرائیل یکی از کشورهای OECD است که دارای مقادیر بسیار کربن، تقریباً ۵۷٪ از انرژی خود را از

1. Mari-B

ذغال سنگ و فقط ۲.۶٪ آن را از منابع تجدیدپذیر تولید می‌کند (https://theodora.com/wfbcurent/israel/israel_economy.html,2020). توسعه این ذخائر می‌تواند رژیم صهیونیستی را از نظر انرژی خودکفا کند و وضعیت اقتصادی آنها را متحول کند و منابعی که قبلاً به این کشورها صادر می‌شد را به بازارهای دیگر منتقل نماید. به دنبال کشف این ذخائر، این کشور صادرات گاز را نیز در برنامه خود قرار داده است. از ۱۱ میدان گازی که تاکنون در حوضه رسوبی لوانت کشف شده است، ۹ میدان آن و بزرگترین آن به نام میدان لویاتان، در محدوده آبهای اسرائیل قرار دارد. تاکنون بیش از ۳۵ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی در این حوضه رسوبی کشف شده است. اما گزارش مرکز مطالعات زمین‌شناسی آمریکا در سال ۲۰۱۰ نشان داد که پتانسیل ذخائر هیدروکربنی و خصوصاً گاز طبیعی در این حوضه رسوبی، بسیار فراتر از این است. گزارش مذکور ذخائر نفت این حوضه را ۱.۷ میلیارد بشکه و پتانسیل ذخائر اکتشاف نشده گازی را ۳.۱ تریلیون مترمکعب و پتانسیل میعانات گازی (NGL) این حوضه را ۳.۱ میلیارد بشکه اعلام نموده است (حسنتاش، ۱۳۹۵/۸/۲۸، سایت مرکز بین-المللی مطالعات صلح (IPSC)).

در حال حاضر حدود ۹۹٪ انرژی مورد نیاز اسرائیل از سوخت‌های فسیلی تأمین می‌شود. در سال ۲۰۱۵ ترکیب این سوخت‌ها ۴۳٪ نفت، ۳۰٪ گاز طبیعی و ۲۶٪ ذغال-سنگ بوده است. این کشور تا سال ۲۰۰۵ میلادی تمامی سوخت‌های مورد نیاز خود را وارد می‌کرد و در واقع از نظر انرژی حدود ۱۰۰٪ به واردات وابسته بود اما از سال ۲۰۰۵ با کشف ذخائر گازی تولید داخلی این کشور افزایش یافت و در سال ۲۰۱۵ حدود یک سوم از انرژی مورد نیاز این کشور از داخل تأمین و دو سوم وارد شده است. در طی ده سال اخیر اسرائیل گاز تولیدی داخلی را عمدتاً جایگزین ذغال‌سنگ که آلاینده‌گی بالایی دارد کرده است و طی این دوره ۱۵٪ از مصرف ذغال‌سنگ این کشور کاهش یافته است. اسرائیل از سال ۲۰۰۸ از طریق خط لوله دریایی موسوم به آریش-اشکلون به طول حدود صد کیلومتر، نیمی از گاز مورد نیاز خود را از کشور مصر وارد می‌کند میزان گاز وارداتی از این خط لوله ۱.۷ میلیارد مترمکعب در سال است و در زمان حسنی مبارک قرار بوده است که این حجم با توسعه خط لوله به ۲.۱ میلیارد مترمکعب

در سال برسد. اما با وقوع تحولات موسوم به بهار عربی و برکناری مبارک، ریسک واردات گاز از مصر برای اسرائیل افزایش یافته است (حسنتاش، ۲۸/۸/۱۳۹۵، سایت مرکز بین‌المللی مطالعات صلح IPSC).

مراودات اسرائیل با مصر در حوضه انرژی بعد از روی کار آمدن عبدالفتاح السیسی (رئیس‌جمهور)، مهمتر از قبل شده است. از آنجا که مشکلات اقتصادی مصر بعد از بهار عربی، شکل جدیدی به خود گرفت، السیسی برای برطرف کردن این مشکلات سه طرح و حوزه کلیدی را برای رفع مشکلات اقتصادی کشور مصر، در رأس برنامه‌ریزی دولت قرار داد. در هر سه این طرحها، نقش کلیدی اسرائیل بارز است. این طرحها شامل:

۱. تقویت هرچه بیشتر مناطق آزاد تجاری معروف به مناطق صنعتی استاندارد، ۲. بخش گردشگری و ۳. بخش انرژی. یکی از مهمترین زمینه‌های همکاری اسرائیل و مصر حوضه انرژی می‌باشد. اما، آنچه دارای اهمیت است جابه‌جایی مصر از صادرکننده گاز به واردکننده محض است که بر روابط قاهره و تل‌آویو تأثیر زیادی خواهد داشت. براساس پیش‌بینی‌ها، حتی با وجود شروع بهره‌برداری از میدان گازی فراساحل به عنوان بزرگترین ذخیره گازی کشف شده در مصر و دریای مدیترانه، مصر همچنان واردکننده گاز از اسرائیل خواهد بود. این در حالی است که اکتشاف بزرگ گازی اسرائیل باعث شده این رژیم پس از آنکه سالها بزرگترین واردکننده گاز مصر به حساب می‌آمد، در حال حاضر بزرگترین تأمین کننده بالقوه گاز قاهره باشد. البته به نظر می‌رسد به همان اندازه که فروش گاز به اسرائیل دارای حواشی سیاسی بود، خرید گاز از آن نیز در مصر با چالشهایی همراه باشد. رسانه‌های مصری و روشنفکران با واردات گاز از اسرائیل مخالفت خود را نشان می‌دهند، اما نشانه‌هایی از تلاش مقامات مصری برای پیگیری پنهانی این هدف دیده می‌شود (احمدی، ۱۳۹۶: ۱۱۹-۱۱۵).

صادرات گاز اسرائیل با همسایگانش به مصر ختم نمی‌شود و شامل کشور اردن نیز هست. کمیاب بودن منابع انرژی اردن و به نقل از مقامات اردنی، از دلایل خرید گاز از اسرائیل، هزینه‌بر و غیرقابل اعتماد بودن طرفهای دیگر بوده است که دولت این کشور را به خرید گاز از اسرائیل طی دو توافقنامه در سالهای ۲۰۱۴ و ۲۰۱۶ متقاعد کرده است. دو شرکت اردنی عرب پتاس و اردن برومین در سال ۲۰۱۴ قرارداد گازی با اسرائیل

منعقد کردند که بر مبنای مفاد آن به مدت ۱۵ سال از میدان نفتی تامار اسرائیل گاز مورد نیاز اردن را به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار خریداری می‌کنند. اسرائیل گاز این دو شرکت را از ژانویه ۲۰۱۶ تأمین می‌کند؛ در همین سال نیز قرارداد دیگری میان شرکت نیروی برق ملی اردن و شرکای میدان نفتی لویاتان اسرائیل با میانجیگری یک شرکت آمریکایی به امضاء رسید که بر اساس آن اسرائیل از اواخر سال ۲۰۱۹ به بعد به مدت ۱۵ سال گاز این شرکت را تأمین خواهد کرد. بر اساس ارزیابیها، درآمد ناخالص این قرارداد در حدود ۱۰ میلیارد دلار برارود شده است. به علاوه اسرائیل در بعد منطقه‌ای با منطقه آسیای مرکزی و قفقاز با کشورهای آذربایجان و قزاقستان نیز در حوضه انرژی معاهدات و قراردادهایی دارد. به طوری که یکی از محسوس‌ترین بسترهای روابط اقتصادی اسرائیل با آذربایجان، حوضه انرژی می‌باشد. اسرائیل تقریباً ۴۰٪ از نفت خود را از آذربایجان می‌خرد و این کشور را شریک قابل اعتمادی در حوضه انرژی می‌داند. اتصال خط لوله اشکلون به ایلات به خط لوله ترانس آدریاتیک موسوم به تاپ به عنوان خط لوله نهایی انتقال گاز حوضه خزر به اروپا، یکی دیگر از ظرفیتهای همکاری این دو کشور در سالهای آتی خواهد بود؛ موضوعی که نخست‌وزیر اسرائیل در دیدار خود از آذربایجان در سال ۲۰۱۶ بر آن تأکید داشت. به علاوه اسرائیل از قزاقستان بیش از ۱۵٪ از نفت مورد نیاز خود را نیز وارد می‌کند. همان‌طور که سفیر اسرائیل در آستانه، بیان کرده است این رژیم سالانه بیش از ۱.۴ میلیارد دلار نفت از قزاقستان خریداری می‌کند (احمدی، ۱۳۹۶: ۱۲۰-۱۲۳).

آنچه که از دیدگاه ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک برای اسرائیل در حوضه انرژی با توجه به طرح انتقال گاز به اروپا، می‌تواند اتفاق بیفتد، باید به این نکته اشاره کرد که مراودات اروپا با دیگر کشورهای دارای ذخایر انرژی مانند کشور روسیه، متأثر از روندهای بین‌المللی و معاملات جهانی است؛ بنابراین دولتمردان اروپایی معتقدند استخراج گاز از این منطقه وابستگی‌شان را به گاز روسیه کمتر خواهد کرد (https://www.farsnews.ir/news/13960114001153)؛ ضمن اینکه هرگونه تنوع بخشی به بازار گاز اروپا، فشار روسیه بر اروپا را کاهش داده و قدرت مانور اروپا در مقابل روسیه و امنیت انرژی اروپا را افزایش می‌دهد و اروپایی‌ها همواره از تنوع

بخشی استقبال داشته‌اند. امتیاز دیگر گاز کشورهای جنوب مدیترانه برای اروپا این است که زمان‌های اوج و فرود مصرف داخلی‌شان با اروپا متفاوت است و امکان قطع گاز صادراتی‌شان به اروپا در اوج مصرف اروپا که زمستان است، کمتر است (حسنتاش، ۱۳۹۵/۸/۲۸، سایت مرکز بین‌المللی مطالعات صلح (IPSC). قابل ذکر است که با توجه به کشف میادین گازی مشترک میان کشورهای اسرائیل و قبرس، قرار است که خط لوله انتقال گاز از بستر دریای مدیترانه به یونان-ایتالیا و از آنجا به دیگر کشورهای اروپایی منتقل شود. به نقل از دیلی‌استار، کشورهای ایتالیا، یونان، رژیم صهیونیستی و قبرس متعهد شدند با همکاری اتحادیه اروپا طولانی‌ترین خط لوله انتقال گاز جهان از زیر دریا را از شرق مدیترانه به جنوب اروپا احداث کنند. بر اساس این گزارش در صورتی که همه چیز طبق نقشه پیش برود، این خط لوله ۶.۲ میلیارد دلاری، گاز را از میادین کشف شده به اروپا منتقل خواهد کرد. زیرساخت‌های احداث این خط لوله، احتمالاً تا سال ۲۰۲۵ ادامه خواهد داشت (https://www.farsnews.ir/news/13960114001153).

وضعیت اقتصاد انرژی سوریه

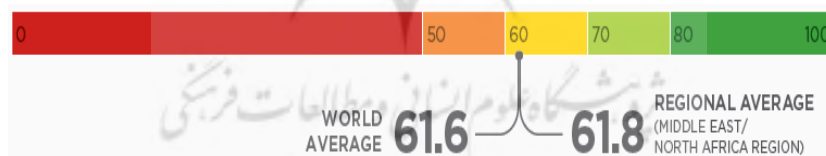
در سوریه، سوسیالیسم در سال ۱۹۶۳ به سیاست رسمی اقتصادی تبدیل شد. از آن زمان گرایش به سوی تحول و صنعتی شدن سوسیالیستی بوده است. در تجارت، کنترل دولت عمدتاً محدود به عملیات ارزی بوده است. مشاغل خصوصی و تعاونی‌های کوچک هنوز در حال فعالیت هستند و علیرغم رقابت شرکتهای تعاونی مصرف کننده در شهرهای بزرگ، تجارت خرده فروشی هنوز بخشی از بخش خصوصی است. دولت مهمترین بخشهای اقتصاد کشور را کنترل می‌کند و مشاغل خصوصی را تنظیم می‌کند. این حکومت پالایشگاه‌های نفت، نیروگاه‌های بزرگ برق، راه آهن و کارخانه‌های مختلف تولیدی را اداره می‌کند. دولت پس‌انداز خصوصی را با پرداخت نرخ سود بالاتر سپرده‌ها و با تضمین سرمایه‌گذاری توسط شهروندان سایر کشورهای عربی تشویق می‌کند. محدودیتهای شدیدی در واردات کالاهای لوکس وجود دارد. در همان زمان، تلاش‌های شدیدی برای بسیج پتانسیل اقتصادی، مبارزه با کم کاری و جلوگیری از مهاجرت

صورت می‌گیرد. با وجود اقدامات متوسط نسبت به خصوصی سازی از سال ۱۹۹۰، دولت سوریه نسبت به توانایی‌های خود برای به خطر انداختن ثبات سیاسی، در پیگیری آزادسازی اقتصادی متمرکز بود (https://www.britannica.com/place/Syria/Economy).

کشاورزی منبع مهم درآمد است. این کار برای حدود یک چهارم مردم، از جمله درآمد بخش قابل توجهی از مردم شهری را فراهم می‌کند. گندم مهمترین محصول غذایی است، اگرچه تولید آن دائماً در معرض نوسانات زیادی در بارندگی است. تولید چغندر قند نیز قابل توجه است. جو، ذرت و ارزن دیگر غلات مهم هستند. پنبه بزرگترین و قابل اطمینانترین محصول صادراتی است. عدس یکی از غذاهای اصلی داخلی است، اما صادر می‌شود. از دیگر میوه‌ها و سبزیجات می‌توان به گوجه فرنگی، سیب زمینی، خربزه و پیاز اشاره کرد. زیتون، انگور و سیب در ارتفاعات رشد می‌کنند، در حالی که مرکبات در امتداد ساحل کشت می‌شوند. توتون و تنباکو عالی در مناطق اطراف لاذقیه کشت می‌شود. پرورش دام از جمله گوسفند، گاو، شتر و طیور نیز از فعالیتهای مهم کشاورزی است. جنگلها درصد بسیار کمی از مساحت کل کشور را تشکیل می‌دهند. بیشتر چوب کشور باید وارد شود. تعداد کمی از ماهیگیران سوریه از قایق‌های کوچک و متوسط استفاده می‌کنند. صید ماهی سالانه شامل ساردین، تن ماهی، گروپ، تونس و هر دو کفال قرمز و خاکستری است. معادن سنگ آهک اصلی سوریه در شمال و غرب دمشق، به ویژه در نزدیکی شهر حلب واقع شده است که خود از سنگ آهک ساخته شده است. بازالت که برای سنگفرش جاده استفاده می‌شود، در مناطقی مانند مناطق نزدیک حمص و حلب استخراج می‌شود. آهک در صنعت سیمان استفاده می‌شود. معادن اصلی در مجاورت دمشق و حلب و الرستان^۱ هستند. سنگ معدن فسفات در مناطق نزدیک پالمیرا استخراج می‌شود و سنگ نمک از اواسط منطقه فرات استخراج می‌شود. آسفالت و گچ نیز استخراج می‌شود و نمک سفره از دریاچه‌های نمک تولید می‌شود. سوریه دارای ذخایر پراکنده کروم و منگنز نیز می‌باشد (https://www.britannica.com/place/Syria/Economy).

1. Aleppo and at Al-Rastan

آنچه که باید ذکر کرد این است که هرج و مرج مداوم و ویرانی ناشی از درگیری‌ها، مانع از قرار گرفتن سوریه در شاخص ۲۰۲۰ شده است. جنگ داخلی طولانی علاوه بر تعداد کشته شدنهای هولناک، باعث ریزش تقریباً تولید اقتصادی در سوریه شده است. با محدود شدن جنگ از لحاظ جغرافیایی، اقتصاد شروع به بهبود می‌کند. رژیم اسد، جنوب، غرب و مرکز سوریه را کنترل می‌کند که بیشتر به دلیل حمایت روسیه و ایران بوده است. در نتیجه، تقسیم عملی کشور به یک منطقه تحت کنترل شورشیان تحت حمایت ترکیه در شمال، منطقه‌ای عمدتاً کردنشین در شرق، و غرب تحت کنترل دولت احتمالاً تسخیر شد. بانک جهانی زیان تجمعی تولید ناخالص داخلی از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ را ۲۲۶ میلیارد دلار در سوریه تخمین زده است. هزینه بازسازی در مناطق تحت کنترل رژیم ۳۹۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود و انتظار می‌رود در سال ۲۰۲۰ تسریع شود. یک سال بعد این برآوردها افزایش یافته بود و بالاترین میزان آن ۴۰۰ میلیارد دلار بود. دادوستدهای روسی و ایرانی معاملات اصلی زیرساخت و سرمایه‌گذاری انرژی را تضمین می‌کنند اما باید با تجارت خلیج فارس و همچنین تجارت از چین و هند رقابت کنند) <https://www.heritage.org/index/pdf/2020/countries/syria.pdf#page=1&zoom=auto,-175,66>.



شکل شماره ۷. نمودار امتیاز آزادی اقتصادی در سوریه در سال ۲۰۲۰

<https://www.heritage.org/index/pdf/2020/countries/syria.pdf#page=1&zoom=auto,-175,66>

جدول شماره ۳. واقعیت‌های اقتصادی سوریه در سال ۲۰۲۰

نرخ بیکاری ۸/۱ درصد	جمعیت ۱۸.۳ میلیون نفر
تورم ۰/۹ درصد	تولید ناخالص داخلی (GDP) ۶۴/۵ میلیارد دلار
بدهی عمومی ۱۳۰/۶ درصد از GDP	۵ درصد رشد در سال ۲۰۱۸ برای یک بازه ۵ ساله
جریان سرمایه مالی : گزارش نشده	رشد سالیانه ۳/۱- درصد
	درآمد سرانه ۳.۵۲۰ دلار

<https://www.heritage.org/index/pdf/2020/countries/syria.pdf#page=1&zoom=auto,-175,66>

۵۸



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره (سال) ۱۱،

شماره ۳، پیاپی

۴۲، پاییز ۱۴۰۰

اقتصاد سوریه از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ بیش از ۷۰٪ کاهش یافته است. حاکمیت قانون ضعیف و فساد اداری فراگیر است. حقوق مالکیت در طی جنگ داخلی نادیده گرفته شده است. شبه‌نظامیان به درجات مختلف از کسب‌وکارها باج می‌گیرند و املاک خصوصی را مصادره می‌کنند. سیاست اقتصادی بر محافظت از رژیم و حفظ توان جنگی ارتش متمرکز شده است. هزینه‌های دولت ناشی از نگرانی‌های سیاسی رژیم و نیاز به محافظت از منافع خود بوده است. درآمد بودجه از نفت و مالیات به شدت کاهش یافته است. این رژیم که با منابع مالی محدود و تحریم‌های بین‌المللی مداوم روبرو است، تا حدی به حمایت مالی ایران و وام‌های روسی متکی است. بنابراین حل و فصل درگیری مداوم برای بهبود فضای کسب‌وکار ضروری است. قبل از جنگ، فضای کسب‌وکار نیز فاقد شفافیت و کارایی بود. بازارهای با کارکرد خوب، محدود به مناطق خاصی از کشور است و تحت مداخله و کنترل شدید دولت قرار دارند. افزایش ۲۲ درصدی بودجه سال ۲۰۱۹ بیشتر ناشی از یارانه گندم و آرد بود که فضای کمتری برای سایر اولویتهای دولت باقی گذاشت. بی‌ثباتی سیاسی که با ادامه جنگ داخلی و افزایش تهدیدهای امنیتی تشدید می‌شود، مانع قابل توجهی در تجارت و سرمایه‌گذاری است. سوءمدیریت اقتصادی رژیم اسد باعث فروپاشی تقریباً اقتصادی شده است. زیرساخت‌های مالی به دلیل شرایط ناپایدار سیاسی و اقتصادی به میزان قابل توجهی تخریب شده است. دسترسی

بسیار محدود به منابع مالی، مانع از توسعه معنادار مشاغل خصوصی می-
شود) ([https://www.heritage.org/index/pdf/2020/countries](https://www.heritage.org/index/pdf/2020/countries-syria.pdf#page=1&zoom=auto,-175,66)

، هزینه زندگی به طور چشمگیری افزایش یافته است. در حالی که نرخ ارز در سال ۲۰۱۱ حدود ۵۰ پوند سوریه به دلار آمریکا بود، در پایان سال ۲۰۱۹ به حدود ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ پوند تا ژوئن ۲۰۲۰ افزایش یافت. یک عامل مهم در این امر بحران اقتصادی بود که لبنان در همسایگی آن را فرا گرفت. در تلاش برای فرار از تحریم‌های قبلی و ادامه انجام معاملات مالی، بسیاری از مردم سوریه که وضعیت بهتری داشتند، سپرده‌هایی در حسابهای بانکی لبنان داشتند که تخمین زده می‌شود از ۱۴ تا ۳۰ میلیارد دلار آمریکا باشد. از این رو، دولت لبنان در تلاش برای جلوگیری از برداشت در بانک‌های خود، مبلغ قابل برداشت را محدود کرد) (<https://news.cgtn.com/news/2020-07-22/What-is-the-political-and-economic-situation-behind-Syrian-elections--S17jTB1V1m/index.html>).

در جدول شماره (۲) تولید ناخالص داخلی کشور سوریه بعد و قبل از اشغال بخش‌هایی از این کشور به دست گروه‌های تروریستی آورده شده است. روند نزولی رشد ناخالص داخلی در این کشور با قدرت گرفتن تروریست‌ها و اشغال بخش‌های حیاتی این کشور مثل چاه‌های نفت و پالایشگاه‌ها روند نزولی را نشان می‌دهد) (<https://www.heritage.org/index/pdf/2020/countries/syria.pdf#page=1&zoom=auto,-175,66>).

جدول شماره ۴. درصد رشد ناخالص داخلی سوریه (۲۰۱۴-۲۰۰۶)

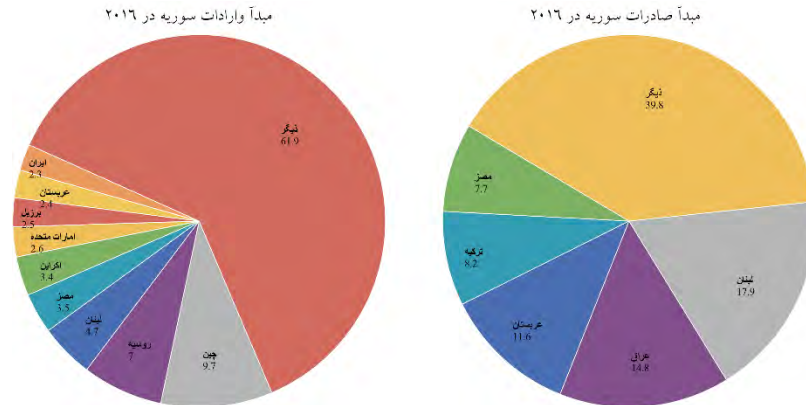
سال	۲۰۰۶	۲۰۰۸	۲۰۱۰	۲۰۱۲	۲۰۱۴
نرخ رشد	۶	۵	۴	-۱۱	-۱۲

Source : www.quandi.com

در سوریه بانک بازرگانی، عملیات تجارت را انجام می‌دهد، محصولات کشاورزی را به بازار عرضه می‌کند و عملیات ارزی را انجام می‌دهد. بانک املاک و مستغلات، صنعت ساختمان را تأمین مالی می‌کند و کلیه عملیات بانکی عادی را انجام می‌دهد.

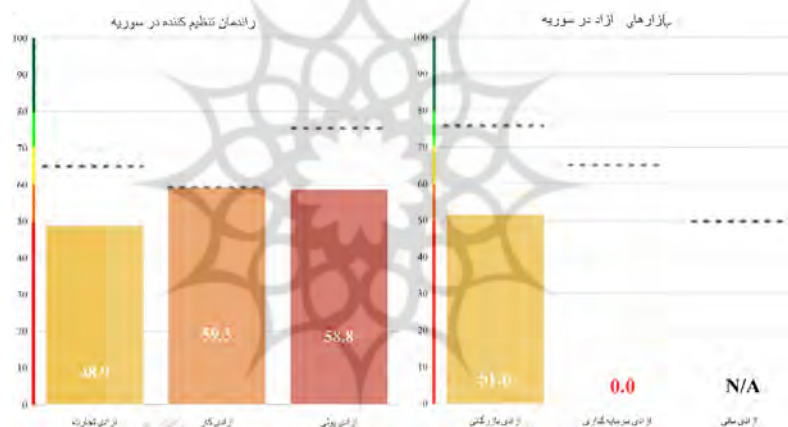
بانک توسعه صنعتی، بخش صنعتی خصوصی را تأمین مالی می‌کند، درحالی‌که یک بانک کشاورزی به کشاورزان و تعاونی‌های کشاورزی وام می‌دهد. بانک اعتباری به تولیدکنندگان کوچک، صنعتگران و تعاونی‌های تولیدی، وام می‌دهد. یک شرکت بیمه ملی وجود دارد. از سال ۲۰۰۰، تعدادی از بانکهای خصوصی کوچک به عنوان بخشی از رویکرد تدریجی اصلاح اقتصادی اقتصادی تأسیس شده‌اند. یک بورس اوراق بهادار، بورس اوراق بهادار دمشق، به طور رسمی برای تجارت در دمشق در سال ۲۰۰۹ افتتاح شد. در طی جنگ سرد، از کشورهای سوسیالیستی مانند چین، بلغارستان و اتحاد جماهیر شوروی کمک مالی و فنی به صورت رایگان یا با حداقل نرخ بهره ارائه می‌شد و همچنین در شرایط مطلوب از چین تا قرن ۲۱ کمک دریافت می‌کند. در پایان قرن بیستم، سوریه مبالغ قابل توجهی از عربستان سعودی و کویت برای حمایت آن در جنگ خلیج فارس (۹۱-۱۹۹۹) دریافت کرد. کمک‌هایی با شرایط سختگیرانه‌تر از فرانسه و سایر کشورهای غربی درخواست شده است.

سوریه از نظر تجارت توازن نامطلوبی دارد و از دست دادن درآمد حاصل از صادرات به خارج از کشور در طی جنگ داخلی سوریه، تولید ناخالص داخلی به شدت کاهش یافته است. پیش از جنگ، کسری تجاری با درآمد حاصل از گردشگری، بازده تجاری ترانزیت، کمکهای خارجی و درآمد سوریهای خارج از کشور جبران شد. کالاهای وارداتی از ترکیه، چین، مصر و روسیه عمده واردات سوریه را تشکیل می‌دهند. عمده کالاهای وارداتی شامل ماشین‌آلات صنعتی و کشاورزی، وسایل نقلیه موتوری و لوازم جانبی، محصولات دارویی، مواد غذایی و پارچه است. لبنان سهم قابل توجهی از صادرات سوریه را شامل می‌شود که شامل نفت، فسفات، پنبه جین^۱، دانه‌های پنبه، جو، عدس، پارچه‌های پنبه‌ای و پشمی، میوه‌های خشک، سبزیجات، پوست و پشم خام است. دیگر خریداران عمده صادرات شامل عراق، عربستان سعودی، ترکیه، مصر و اردن است. تجارت خارجی توسط دولت تنظیم می‌شود (<https://www.britannica.com/place/Syria/Economy>).



شکل شماره ۸. نمودار مبدأهای صادرات و واردات سوریه در سال ۲۰۱۶

<https://www.britannica.com/place/Syria/Economy>



شکل شماره ۹. نمودار راندمان تنظیم کننده و بازارهای آزاد در سوریه

<https://www.heritage.org/index/pdf/2020/countries/syria.pdf#page=1&zoom=auto,-175,66>

می توان گفت که اقتصاد سوریه در حال نابودی است. در کمتر از یک سال، لیر سوریه (پوند سوریه یا SYP نیز نامیده می شود) بیش از ۷۰٪ از ارزشش در برابر دلار آمریکا از دست داد، در حالی که طبق برنامه جهانی غذا، قیمت مواد اولیه اساسی بیش از ۱۰۰٪ افزایش یافته است. مکالمات انجام شده بر روی برنامه های پیام رسانی و تلفنی با ساکنان ۱۴ استان سوریه نشانگر گرسنگی بسیاری از مردم است. مردم محلی دیدن بیشتر متکدیان در خیابان،

تن فروشی، و افرادی را که به دنبال تکه‌های مواد غذایی در زباله‌ها غر می‌زنند، را توصیف می‌کنند. جمعیت به طور فزاینده‌ای برای زنده ماندن به نان، ارزان‌ترین منبع کالری، اعتماد می‌کنند. از مارس، برای اولین بار از زمان آغاز قیام در سال ۲۰۱۱، نانوایی‌هایی که نان پارانیه-ای در مناطق تحت کنترل رژیم می‌فروختند به دلیل عدم توانایی مالی در واردات غلات، کمبودهای شدیدی را تجربه کردند. این کمبود در ماه مه، بیشتر به دلیل سهمیه‌های اعمال شده توسط دولت کاهش یافت. رکود اقتصادی مربوط به COVID-19 یک ضربه دیگر به اقتصاد وارد کرد که از قبل در حال سقوط بود و روند سقوط سوریه را به مرحله‌ای تسریع کرد که رژیم حتی نمی‌تواند پایگاه خود را که شامل اعضای جامعه علوی، خانواده‌های سربازان کشته شده و خدمتکاران عمومی است تغذیه کند. منافع به طور فزاینده‌ای در اختیار نخبگان قدرتمند قرار دارد. در الگویی که در طی جنگ تکرار شده است، گروه کوچکی از تاجران که با رژیم و مقامات ارتباط دارند از فرصتهایی که قفل (محصور کردن) COVID-19 فراهم می‌کند و خریداران وحشت زده استفاده می‌کنند، درحالی که بقیه مردم بیشتر در فقر فرو می‌روند. سخته‌های مردم سوریه عمدتاً ناشی از جنگ، انفجار اقتصاد در همسایگی لبنان و فساد گسترده است، اما درحالی که سوریه به قحطی نزدیک می‌رود، تحریم‌های اضافی بحران را تشدید می‌کند.

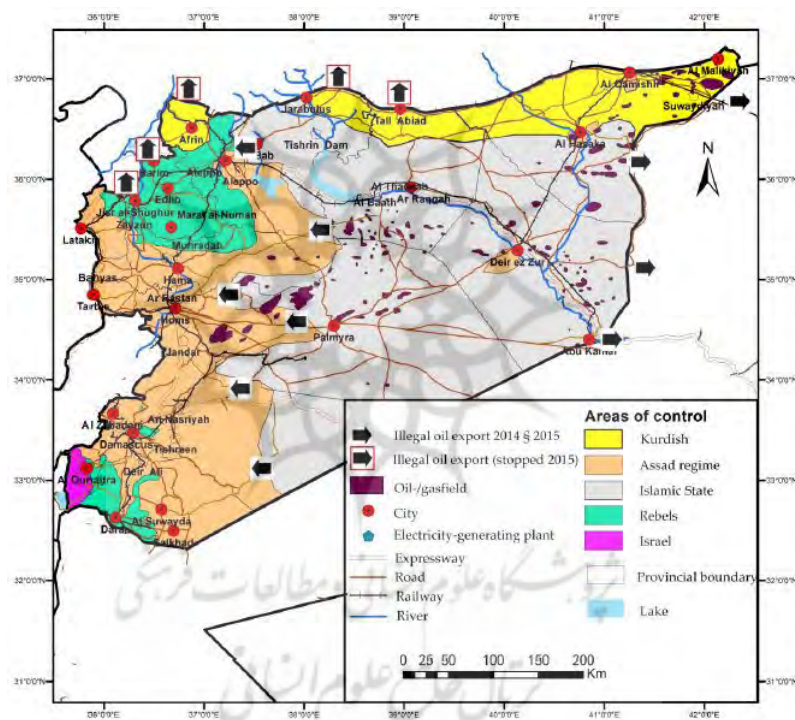
سیاست ایالات متحده که از رفاه کوتاه مدت سوریه‌ها می‌کاهد، تنها در صورتی قابل توجیه است که مسیری روشن برای چگونگی تحریمها منجر به تغییر اساسی در رفتار رژیم شود که منافع مردم سوریه و غرب را تأمین کند. همه‌گیری فقط یکی از عوامل تأثیرگذار بر اقتصاد در حال حاضر آسیب دیده سوریه است. درحالی که تعداد موارد مبتلا به کرونا در سوریه محدود است، احتمالاً به دلیل انزوای نسبی این کشور است، اقداماتی که دولت سوریه برای مقابله با شیوع ویروس انجام داد، به کاهش شدید اقتصادی منجر شد که با استهلاک سریع لیر لبنان تسریع شد. سوری‌ها چندین میلیارد دلار در بانکهای لبنان دارند - ثروتمندان سوری از لبنان به عنوان پناهگاهی برای جلوگیری از تحریم استفاده می‌کردند - اما این بانکها نقل و انتقالات دلار را محدود کرده‌اند، بنابراین نمی‌توان این وجوه را به اقتصاد سوریه وارد کرد. ارزش لیر سوریه سریعتر از گذشته کاهش یافت و از ۱۱ ژوئن به ۲۴۲۵ دلار در هر دلار آمریکا رسید. خسارات سنگینی که اقتصاد سوریه در حین بسته شدن اقتصادی متحمل شد، دولت را بر آن داشت تا اکثر اقدامات را ظرف سه هفته لغو کند، اما

بخش‌های خاصی مانند رستورانها و گردشگری به دلیل خاموش شدن طولانی‌تر و محدودیت‌های حرکتی همچنان متحمل آسیب می‌شوند (Tsurkov, 2020).

در اقتصاد سوریه در ۵۰ سال گذشته، نفت به عنوان منبع درآمدزا و کمک کننده به بودجه مهم بوده است. وضعیت میداین نفتی در شرق و شمال شرق سوریه از تابستان سال ۲۰۱۲ در وضعیت تغییرات پی‌درپی قرار گرفته‌اند. اوضاع به دلیل وجود چندین نیروی نظامی سازمان یافته در منطقه پیچیده است: ارتش سوریه، ارتش آزاد سوریه، داعش، جبهه النصره و نیروهای کرد و سایر گروه‌هایی که با دولت سوریه می‌جنگند. تا پایان سال ۲۰۱۴، میدانهای نفت و گاز سوریه توسط سه نیرو کنترل شد: داعش، نیروهای کرد و دولت. داعش کنترل اکثر میداین نفتی و همچنین چندین میدان گازی در سوریه را بدست آورد. بر اساس نقشه صادر شده توسط وزارت ارتباطات، حمل و نقل و صنعت در دولت موقت سوریه، دفتر حمل و نقل GIS در سال ۲۰۱۵، داعش ۸۰٪ از مناطق نفت و گاز در این کشور را کنترل می‌کرد، نیروهای کرد ۱۲٪ تحت کنترل داشتند، رژیم سوریه پس از بیش از چهار سال جنگ داخلی در سوریه، فقط حدود ۸٪ کنترل خود را حفظ کرده بود. داعش میداین اصلی نفت در استان دیرالزور مانند وارد، تاناک، تایم، جفرا و عمر با مجموع ۴۷۸۰۰ بشکه تولید روزانه را کنترل می‌کرد که یکی از بزرگترین میداین با بهترین کیفیت نفت استخراج شده در سوریه است. در استان حصکه، داعش میداین نفتی جنوب حصکه مانند مارگادا، ال جوبایسا، گوناتیشرین و ال هول^۱ با مجموع ۹۵۰۰ بشکه تولید را کنترل می‌کرد. در استان رقه، شبه-نظامیان تمام میداین کوچک نفتی را که در منطقه یافت می‌شود، با مجموع ۲۰۰۰ بشکه تولید را کنترل می‌کردند. داعش همچنین اخیراً کنترل تعدادی از میداین نفت و گاز در مرکز سوریه (استان حمص) مانند اراک شهر، سخنا و آلدزل^۲ با تولید روزانه ۲۵۰۰ بشکه را به دست گرفت. مجموعاً ۶۱۸۰۰ بشکه تولید روزانه نفت بوده است. علاوه بر این میداین، این گروه کنترل نیروگاه گاز کونیکو^۳ (۲۰ کیلومتری شرق شهر دیرالزور)، ایستگاه نفتی الخراطا^۴ (۲۰ کیلومتری جنوب غربی دیرالزور)، ایستگاه نفتی دررو^۵ (۴۰ کیلومتری شمال غربی دیرالزور) و ایستگاه‌های T1 و T2 که در امتداد خط نفت عراق در سوریه قرار دارند را نیز در اختیار

1. Margada, Al Jubaissah, Gouna Tishreen, and Al Hol
2. Arak Shahr, Sokhna, and Aldzl
3. Kuniko
4. Al Kharrata
5. Derro

گرفته بود. بیشتر این میدان‌های نفتی قبلاً دارای موجود در سبد سهام شرکت نفتی الفورات، وابسته به رویال داچ شل بود. در حقیقت، داعش حدود یک سوم سوریه و ۸۰٪ از مناطق نفت و گاز این کشور را کنترل می‌کرد. قبل از درگیری در سال ۲۰۱۱، میدان‌های نفتی تحت کنترل داعش حدود ۲۵۰،۰۰۰ بشکه در روز تولید می‌کردند (۶۵٪ از تولید نفت سوریه). طبق گزارش مجله فارین پالیسی، پیش از شروع حملات هوایی آمریکا در تابستان ۲۰۱۴، تخمین زده می‌شد که داعش بیش از ۸۰،۰۰۰ بشکه در روز تولید می‌کند و آن را در بازار سیاه حدود ۱ تا ۳ میلیون دلار در روز بفروشد (Almohamad and Dittmann, 2016 : 6).



شکل شماره ۱۰. نقشه توزیع جغرافیایی کنترل میدان‌های نفت و گاز سوریه توسط نیروها و صادرات غیرقانونی

Almohamad and Dittmann, 2016 : 7

نتیجه گیری

داعش بر ایند رقابت‌های بلوغ نیافته استراتژیک بین قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌باشد. مثل هر مکان دیگری در دنیا، که اهداف حکومتها، در منطقه خودشان تأمین منافع ملی است؛ در منطقه غرب آسیا، رقابت‌های ایدئولوژیک و جنگ قدرت، به همراه پول هنگفت حاصل از نفت، سطح مطالبات و درخواست‌های دولتهای منطقه را افزایش داده و دست آنها را برای صرف هزینه‌های گزاف برای نایل آمدن به خواسته‌های بعضاً جاه‌طلبانه باز گذاشته است. چه در زمان قبل از سرنگونی داعش و چه در حال حاضر که امکان ظهور گروه تروریستی دیگری و یا حتی ظهور دوباره داعش وجود دارد؛ یک عزم راسخ منطقه‌ای در میان حکومت‌های منطقه برای اتخاذ یک استراتژی مشترک مشاهده نمی‌شود. چرا که تروریسم بر مبنای منافع هر کشور تعریف می‌شود. این تفاوت بر اساس منافع متنوعی می‌باشد که بازیگران در آسیای غربی برای خودشان در نظر می‌گیرند. هر بازیگر تلاش دارد تا سیاست خارجی خود را بر مبنای برداشتی منفعت‌محورانه از تروریسم ارایه دهد و این روند آزادی، اقدام مناسبی را برای شکل‌گیری تروریسم در منطقه غرب آسیا و احیای دوباره گروه‌های تروریستی همچون داعش به وجود می‌آورد.

از دیدگاه برخی کارشناسان و صاحب‌نظران، نوع نگاه داعش به مقوله نفت به عنوان یک منبع مالی و اهرم اقتصادی، باعث افزایش درگیری با سایر گروه‌های مسلح شده است که این خود زمینه‌های ناامنی اقتصادی را در منطقه افزایش داد. به طوری که اغلب، نفت را با ۵۰٪ زیر قیمت بازار می‌فروخت که این تخفیف، آثار بسیاری برای کشورهای متکی به درآمد نفت در منطقه، به همراه داشت. به گونه‌ای که قاچاق نفت توسط داعش از طریق کانال‌های خاص خود، باعث دامن زدن به ناامنی بیشتر در منطقه شد. منابع زیادی از نفت را از مخازن انبار، خطوط لوله و ایستگاه‌های پمپاژ به سرقت می‌برد. به علاوه، تحرکات داعش و سایر گروه‌های متخاصم در سوریه باعث کاهش تولید نفت این کشور از ۴۰۰ هزار بشکه قبل از شروع ناآرامیها به ۳۰ تا ۴۰ هزار در روز رسید. چندین گزارش ادعاء می‌کنند که داعش روزانه ۳ میلیون دلار از عملیات نفتی سوریه کسب می‌کرده است. هرچند برخی گزارش‌های دیگر، این رقم را چندصد هزار دلار در روز اعلام کرده‌اند. بر اساس نظر کریستوفر گارور^۱

۶۵

پژوهش‌های بین‌المللی
روابط بین‌الملل

واکاوی تأثیر ظهور
داعش بر وضعیت
اقتصاد انرژی در
سوریه و اسرائیل

1. Christopher Garver

سخت‌گویی عملیات تیدال ویو^۱، داعش قبلاً ماهانه حدود ۳۰ میلیون دلار از عملیات نفتی خود درآمد کسب می‌کرد، اما درآمدها در ابتدای سال ۲۰۱۶ به حدود ۱۵ میلیون دلار در ماه کاهش داشته است. به علاوه، این گروه تروریستی توانست میادین نفتی را در عراق نیز تصرف کند و کنترل صادرات نفت را در بخشهایی از این کشور در اختیار بگیرد؛ حتی برخی از کشورها مانند عربستان سعودی در قالب شورای همکاری خلیج فارس، نیز برای توازن-سازی حوضه ژئواکونومیک، علیه ایران، بعد از بروز تهدید داعش، تلاش کرد از طریق کاهش بهای نفت بر گفت‌وگوهای ایران و گروه ۵+۱ تحرکات و اثراتی را ایجاد کند.

داعش در اوج قدرت خود در سال ۲۰۱۴، بیش از ۲ میلیارد دلار از چاه‌های نفتی توقیف شده، بانکهای غارت شده و اخاذی از جمعیت تحت کنترل خود جمع کرد. به طرز نگران‌کننده‌ای قادر به اخاذی مالیات از میلیون‌ها غیرنظامی بود که در داخل قلمرو تحت سیطره‌اش خود زندگی و کار می‌کردند. سیستم تعرفه پیشرفته آنها همه چیز را از درآمد تا معاملات بانکی گرفته تا آموزش دانش آموزان مدارس برای حصول بیش از ۳۰۰ میلیون دلار در سال، مشمول مالیات قرار می‌داد. علاوه بر مالیات، داعش منابع اساسی را کنترل می‌کرد، از جمله مواد اصلی مواد غذایی مانند گندم و جو، معادن و کارخانه‌های سیمان و البته نفت که مجموعاً بیش از ۵۰۰ میلیون دلار در سال در زمان اوج تولید در سال ۲۰۱۴ به حساب می‌آمد. عملیات منطقه‌ای داعش رونق گرفت زیرا آنها توانستند فتح سودآوری کنند.

منافع سیاسی و منافع اقتصادی، مکمل هم هستند، رابطه سیاسی می‌تواند رابطه اقتصادی را تقویت و گسترش دهد و برعکس. گروه تروریستی داعش، برای اسرائیل چالشی در روابط سیاسی این کشور به وجود نیاورد؛ بنابراین منافع سیاسی و اقتصادی این کشور، آسیب ندید. براساس جدول شماره ۲ در فصل یافته‌های تحقیق، (شاخصهای اصلی اقتصادی اسرائیل ۲۰۲۱-۲۰۱۷) مشاهده می‌شود که شاخصهای اقتصادی در سال ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ برای اسرائیل روند افزایشی داشته‌اند. در حال حاضر حدود ۹۹٪ انرژی مورد نیاز اسرائیل از سوخت‌های فسیلی تأمین می‌شود. در سال ۲۰۱۵ ترکیب این سوخت‌ها ۴۳٪ نفت، ۳۰٪ گاز طبیعی و ۲۶٪ ذغال‌سنگ بوده است. این کشور تا سال ۲۰۰۵ میلادی تمامی سوختهای مورد نیاز خود را وارد می‌کرد و در واقع از نظر انرژی حدود ۱۰۰٪ به واردات وابسته بود اما از سال ۲۰۰۵ با کشف ذخائر گازی تولید داخلی این کشور افزایش یافت و در سال ۲۰۱۵

1. Tidal Wave

حدود یک سوم از انرژی مورد نیاز این کشور از داخل تأمین و دو سوم وارد شده است. در طی ده سال اخیر اسرائیل گاز تولیدی داخلی را عمدتاً جایگزین ذغال‌سنگ که آلایندگی بالایی دارد کرده است و طی این دوره ۱۵٪ از مصرف ذغال‌سنگ این کشور کاهش یافته است. اسرائیل از سال ۲۰۰۸ از طریق خط لوله دریایی موسوم به آریش-اشکلون به طول حدود صد کیلومتر، نیمی از گاز مورد نیاز خود را از کشور مصر وارد می‌کند میزان گاز وارداتی از این خط لوله ۱.۷ میلیارد مترمکعب در سال است. بنابراین می‌توان گفت که در درون ظهور داعش این کشور سوریه بوده که از نظر سیاسی - اقتصادی آسیب جدی دید ولی وضعیت سیاسی - اقتصادی اسرائیل نه تنها آسیب ندید بلکه در زمینه صادرات انرژی پیشرفت و افزایش نیز داشته است.

منابع

- احمدی، وحیده. (۱۳۹۶). «اسرائیل و کشورهای پیرامونی؛ نفوذ امنیتی با پوشش اقتصادی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال بیستم، شماره دوم، تابستان، صص ۱۳۵-۱۱۳.
- باقری دولت‌آبادی، علی و ملکی‌فر، محمد. (۱۳۹۸). «نقش و جایگاه سیاست خارجی در توسعه اقتصادی ژاپن (۱۹۹۵-۱۹۴۵)»، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره هشتم، شماره اول، بهار، صص ۹۶-۶۳.
- حسنتاش، غلامحسین. (۱۳۹۵/۷/۲۸). *وضعیت و اهمیت جایگاه گازی اسرائیل*، سایت مرکز بین‌المللی مطالعات صلح IPSC
- حاتمی، محمدرضا. (۱۳۹۴). «شکل‌گیری داعش در کانون پویش جهانی شدن»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، شماره ۳۰، صص ۱۷۰-۱۴۷.
- خلیلی، رضا و چهری، هادی. (۱۳۹۶). «تأثیر شکل‌گیری داعش بر نظام امنیتی غرب آسیا»، *فصلنامه امنیت پژوهشی*، سال شانزدهم، شماره ۵۹، پاییز، صص ۵۲-۲۹.
- روایای رژیم صهیونیستی برای احداث طولانی‌ترین خط‌لوله گاز در زیر دریا و ایراد اساسی کارشناسان،

<https://www.farsnews.ir/news/13960114001153>

سلطانی‌گیشینی، محمدجواد و وثوقی، سعید و ابراهیمی، شهروز. (۱۳۹۶). «دولت شکست خورده و جنگ‌های جدید: مطالعه موردی داعش در خاورمیانه»، *فصلنامه رهیافتهای سیاسی بین‌المللی*، سال هشتم، شماره ۳، بهار، صص ۱۴۵-۱۱۷.

کولای، الهه و واعظی، طیبه. (۱۳۹۱). «تحول سیاست خارجی و توسعه اقتصادی در هندوستان»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال چهارم، شماره اول، بهار، صص ۲۷۴-۲۴۷.

مجتهدزاده، پیروز و مهکویی، حجت. (۱۳۹۷). ژئواکونومیک (با رویکردی به وضعیت اقتصادی در نظام بین‌الملل)، چاپ اول، نشر انتخاب.

یزدان‌پناه، کیومرث و جعفری، مهتاب. (۱۳۹۷). «تحلیل ژئوپلیتیک اثرگذاری اینترنت در افزایش فعالیت تروریسم: با تأکید بر داعش»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال هفتم، شماره ۲۶، پاییز، صص ۲۴۳-۲۲۱.

Almohamad, Hussein & Andreas Dittmann. (2016). Oil in Syria between Terrorism and Dictatorship; <https://www.mdpi.com/2076-0760/5/2/20/html>, <https://doi.org/10.3390/socsci5020020>

<https://news.cgtn.com/news/2020-07-22/What-is-the-political-and-economic-situation-behind-Syrian-elections--S17jTB1V1m/index.html>

https://theodora.com/wfbcurent/israel/israel_economy.html, 2020

<https://www.britannica.com/place/Israel>

<https://www.britannica.com/place/Israel/Economy>, 2020

<https://www.britannica.com/place/Syria>

<https://www.heritage.org/index/pdf/2020/countries/syria.pdf#page=1&zoo m=auto,-175,66>

<https://www.nordeatrade.com/en/explore-new-market/israel/economical-context>

Inan, Sükrü (2011). "Geoeconomics Studies in the world and Turkey and Geoeconomics Education", Bilge Strateji, Vol 2, No 4.

Jasper, Scott & Moreland, Scott. (2016). *ISIS: An Adaptive Hybrid Threat in Transition*; Available at: https://smallwarsjournal.com/jrnl/art/isis-an-adaptive-hybrid-threat-in-transition#_edn45.

Tsurkov, Elizabeth. (2020). Syria's Economic Meltdown; All names of Syrians were altered to protect them from regime reprisals, Center for Global Policy, Washington D.C., June

www.IMF – World Economic Outlook Database, 2016

www.quandi.com